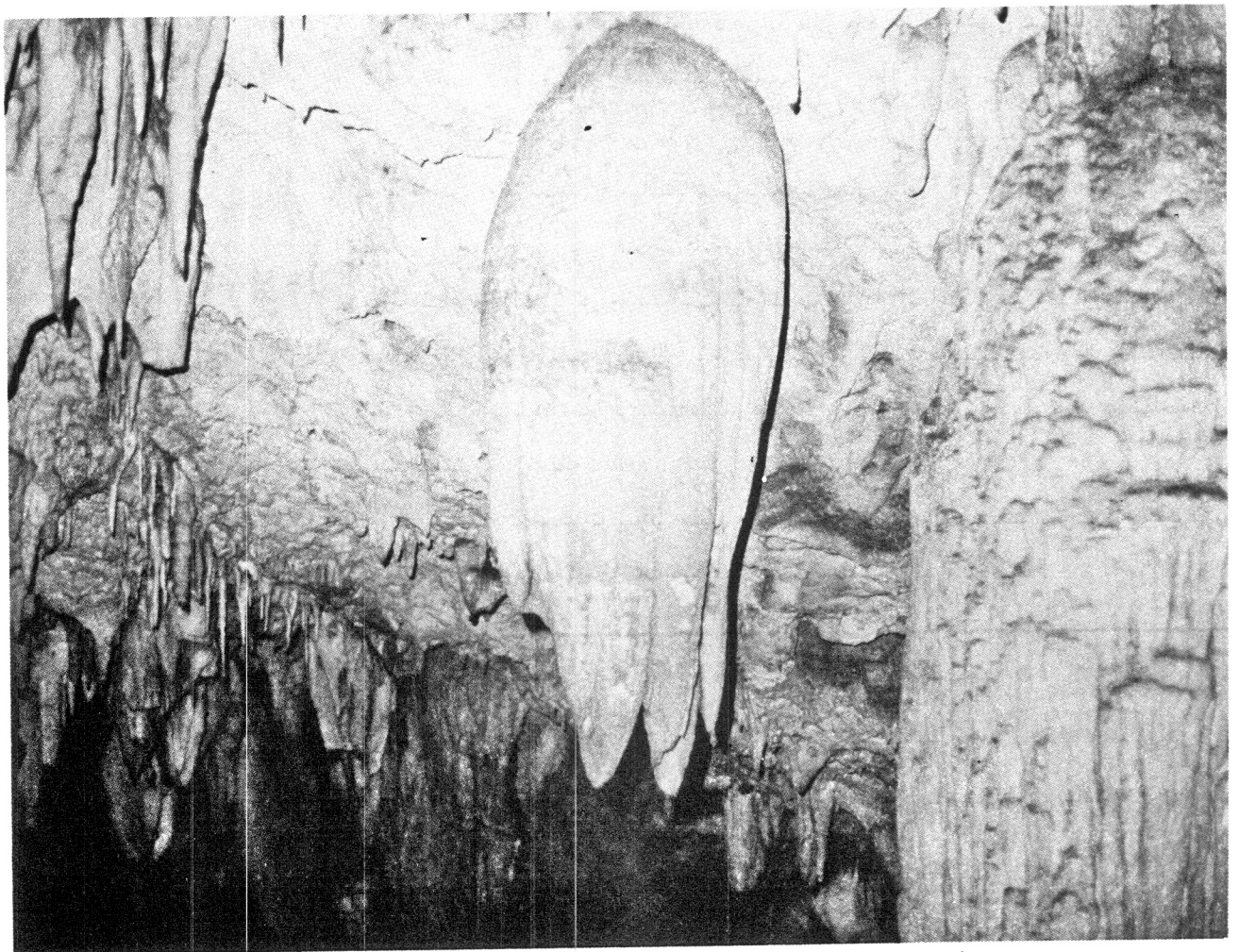


غار کلماکره

۱- پیشگفتار

خبر کشف غار "کلماکره" (ماوای کل و درخت انجیر)، همزمان بوسیله مامورین حفاظت میراث فرهنگی بخش ملاوی و مامورین حفاظت میراث فرهنگی شهرستان کوهدشت به میراث فرهنگی لرستان گزارش شد. در پی دریافت گزارش تخریب آثار فرهنگی این غار توسط عوامل سودجو و ناآگاه، پایه پای تعقیب عوامل تخریب و تلاش برای تهیه ملزومات بررسی غار، اقداماتی اضطراری و هماهنگ از سوی میراث فرهنگی لرستان آغاز گردید. هدف از این اقدامات گسترده بهره‌گیری از دانش صاحب‌نظران میراث فرهنگی کشور برای انجام یک بررسی پربار از

گزارش از حسین غضنفری



سویی و استفاده از امکانات فنی کمیته غارنوردی کانون کوهنوردی باختران از سوی دیگر بود.

کانون کوهنوردی باختران صاحب نام، و کمیته غارنوردی وابسته به این کانون نیز در زمینه غارنوردی دارای تجربیاتی ارزنده بود، بنابه اهمیت مکان باستانی و لزوم این هماهنگی توسط میراث فرهنگی لرستان، سه نوبت روز حرکت کمیته غارنوردی باختران به تعویق افتاد ولی سرانجام گروه اعزامی استان بامداد روز ۱۳۶۸/۹/۲۲ به سوی غار کلماکره در ۱۵ کیلومتری شمال غرب پل دختر حرکت کرد.

هیات نخست به مامورین پاسگاه حفاظت میراث فرهنگی کوهدشت که با قرار قبلی در کنار پل تاریخی دختر منتظر میهمانان بودند پیوست، ائتلاف وقت تا رسیدن کمیته غارنوردی در کنار پل تاریخی دختر بیهوده به نظر آمد. در نتیجه پس از تقسیم کار، مامورین کوهدشت همچنان برای راهنمایی اعضای کمیته غارنوردی باختران در کنار پل گمارده شدند، و هیات به منظور تمهید مقدمات به حرکت خود در جهت غرب پل دختر یعنی دامنه جنوبی کوه مهله* ادامه داد.

شهر پل دختر و به ترتیب روستاهای گاوکش و چمگردله و چمکیژه در کنار مسیر رودخانه کشکان پشت سر گذاشته شد. در حدود ۱۲ کیلومتری غرب پل دختر راه شوسه ماشین رو از کنار بقایای یک بنای سنگی قدیمی می گذرد، این بنا روی تپه‌ای در حدود ۳۰۰ متری جنوب راه عبور قرار دارد و اهالی آنرا (فلا)* یعنی قلعه می نامند (عکسهای ۱ و ۲)، پس از عبور از کنار این بنا، راه با چرخشی به سمت شمال به دامنه کوه روی آورده و به روستایی موسوم به دره باخ* (دره باغ؟ دره بغ؟) ختم می شود. این روستا حدوداً ده خانوار جمعیت داشته و قشلاق کوچ‌نشینانی از تیره گاوکش طایفه حسونند است.

پیدا کردن راهنمای بومی، بسته‌بندی وسایل، کرایه الاغ و قاطر برای انتقال ملزومات ضروری به غار کلماکره واقع در کمرکش کوه مهله در این روستای کم جمعیت و تازه از راه رسیده که به گویش بومی (مالگه نوار)* گفته می شود، حدود دو ساعت به طول انجامید. در اثنای حمل وسایل و

* - ر.ک به توضیح اصطلاحات محلی متن

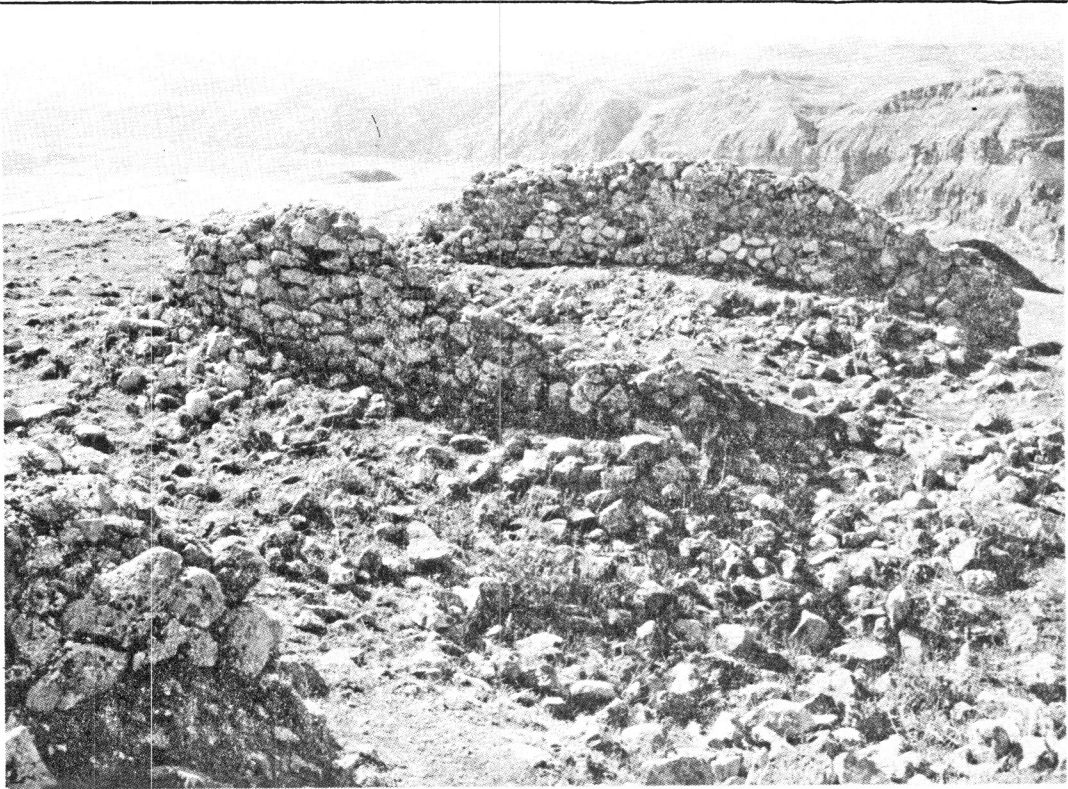
باربندی، اعضای کمیته غارنوردی باختران نیز به همراهی مامورین پاسگاه حفاظت میراث فرهنگی کوهدشت سر رسیدند. ساعت حدود ۱۱ بامداد حرکت گروه متفق و نسبتاً

مجهز راهیان مشتاق به سوی غار کلماکره آغاز شد. باریکه راهی که روی تپه ماهورهای دامنه‌ای کوه پیچ و تاب می خورد، در ابتدای فراز کوه چندین شاخه شده و به صورت خطوطی ظریف پوشش گیاهی تنک و کم مایه سطح کوه را شکافته و زیگزاگی صعود می نمود. طی این مسافت طولانی با شیب تند، نزدیک سه ساعت ادامه یافت. در کمرکش کوه، پیمودن راه دشواری زیادی برای چهارپایان همراه داشت. دو راس از چهارپایان چند مرتبه زیر بار خوابیدند، هر بار وسایل را زمین گذاشته و آنها را بلند نموده و با بار سبکتر به ادامه راه وامی داشتند، به نظر می آمد پیمودن این راه بزور برای این دو حیوان ضعیف‌الجثه که امروز ناگزیر به پیمودن آن با بار بودند، بدون بار هم بسیار دشوار باشد. سرانجام چهارپایان بسختی بار خود را به مقصد رساندند. پس از درنگی کوتاه و صرف چای کارگاه انتقال تعدادی از افراد و بخشی از وسایل به درون غار برپا شد.

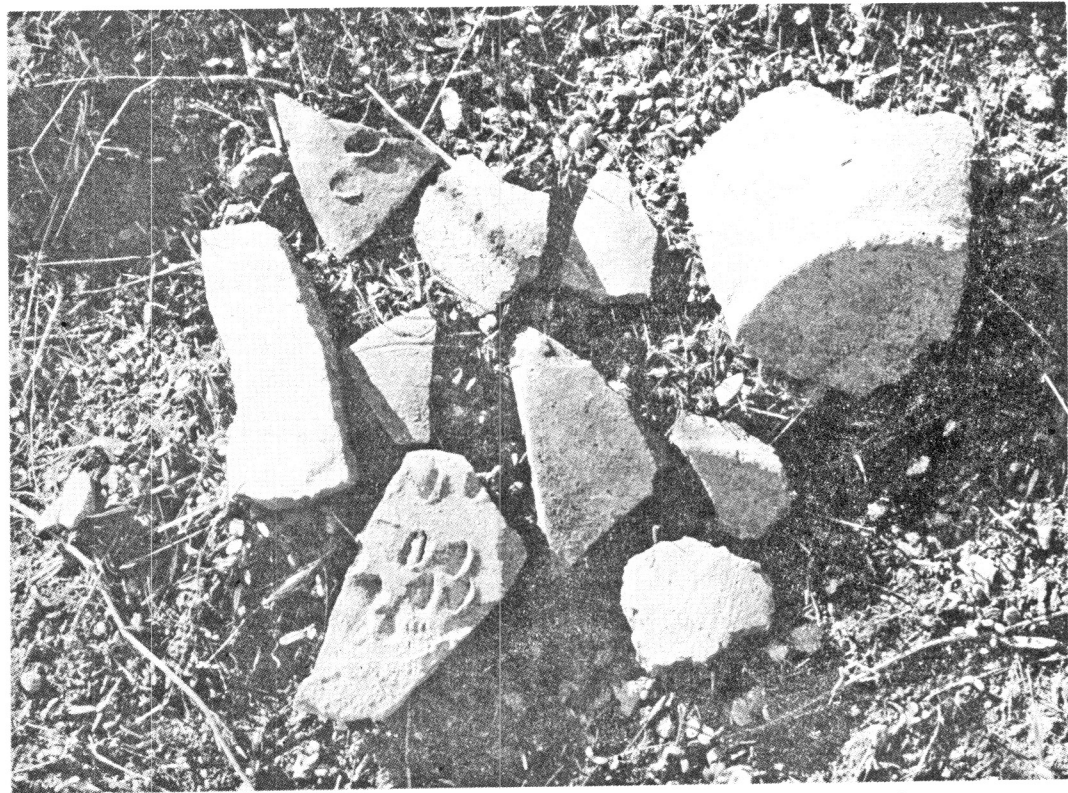
اولین نفر ساعت حدود ۴ بعد از ظهر به غار وارد شد و آخرین نفر گروه حدود ۹ شب به جمع حاضرین در غار پیوست، بیشترین وقت به انتقال ملزومات و مواد غذایی و طناب پیچ و فرود همراه با دلپره، برخی از اعضای هیات، از جمله نگارنده، اختصاص یافت.

پس از گردهمایی در تالار اولی غار نخستین برنامه شناسایی پیش از خواب اجرا، و برنامه شناسایی دقیقتر با فرصت بیشتر به بامداد روز بعد موکول گردید.

برنامه بازدید از گوشه و زوایای تاریک غار از ساعت ۶ صبح آغاز گردید و تا ساعت حدود ۴ بعد از ظهر ادامه یافت. به سبب تاریکی مفرط، وسعت بیش از حد پیش‌بینی شده و لغزندگی کف غار و همچنین فقدان ابزار فنی مورد نیاز، دیدار از تالارها و شگفتیهای آن نیز ارضاکننده نبود. گاه وسعت تالاری پس از تأمین نور بیشتر، دو برابر مساحتی تخمین زده می شد که قبلاً گمان می رفت. نور قابل استفاده



۱- نمونه معماری قسمتی از اثر فرهنگی قلا (قلعه)



۲- نمونه سفالینه اثر فرهنگی قلا (قلعه)

برای حرکت و عبور اعضای هیات از دهلیزها و حفره‌های ممتد و کوتاه و بالا رفتن از گلوگاههای شیبدار تنها وسیله دو چراغ پیکنیک تامین می‌شد که برای بازدید فضاهای وسیع غار کافی نبود. یکی از این چراغها پیشاپیش و دیگری پشت سر افراد قرار داشت. اغلب فاصله کوربین دو چراغ را تاریکی مطلق فرا می‌گرفت، تا تابش مجدد نور در نتیجه جابجایی افراد تصور سقوط روی صخره‌های لغزنده و یا ریزش استلاکنیهای آویزان و غیره ذهن را به خود مشغول می‌ساخت. در این حالت گاه لحظاتی را می‌بایست چشم بسته و بطور کورمال حرکت نمود. در تمام این مدت آقای فرزین با دوربین عکاسی و یک چراغ قوه‌ای کوچک خطر کرده و در صدد یافتن زوایای دست نیافتنی و مورد پسند خود بود و با تلاش بسیار از نور محدود فلاش بهره گرفته و تصاویری برمی‌داشت.

بار سنگین هموار کردن این مشکلات، بر دوش از جان گذشتگان عضو کمیته غارنوردی بود. اینان با وجود تذکر مکرر خطر سقوط در جاهای احتمالی به افراد، خود بی‌پروا با استفاده از نور ضعیف چراغ قوه‌ای مسیره را پیموده و پشت سری‌ها را به پیشروی وامی‌داشتند.

در کوران نبرد با اینهمه اضطراب، این تصور که راهی تاریخی پیموده می‌شود گاه بچگانه می‌نمود چون توقع می‌رفت که گذر مداوم بشر از این مسیر، طی تاریخی نسبتاً طولانی علی‌القاعده می‌بایست آنرا کمی هموار کرده باشد. ولی هر گاه درنگی لازم و فضای بازی احساس و با دقت بیشتری مشاهده می‌شد فرصتی مناسب برای هجوم تخیلات گوناگون دست می‌داد، چرا که در این فضاهای شکوهمند و بسیار غریب علاوه بر حفره‌های متعدد شیبدار در قسمتهای پائین سطوح جانبی، ورودی تالار بعدی نزدیک به سقف و در ارتفاع مثلاً " ۴ متری از کف با دست از دور نشان داده می‌شد.

نگرش به چنین وضعیتی، بی‌تابانه سرگذشت حیرت‌آور مهردینان* را مجسم کرده و این تجسم با مرور ذهنی تقدس عدد هفت در هفت کنی* (هفت چشمه) در فرادست تنگه محل دهانه غار و نیز واژه دری باخ روستایی بی‌آب و علف که در فرودست تنگه قرار دارد بهم می‌آمیخت، کاربرد خیالی و متصور برای سطح تراز شده برفراز صخره

پلکانی و پس‌نشسته شرق دهانه غار نیز به این ذهنیت دامن زده و این گمان قوت می‌گرفت که افراد گروه یکی از غریب‌ترین اماکن مقدس تاریخ و شاید پدر اهرام ثلاثه مصر را درمی‌نوردند!

پیداست که دستیابی بر مستندات گویاتر برای توجیه این ذهنیات تلفیقی در کف تالارها و یا زیر لایه‌های رسوبی بدنه غار از درون، و فهم انگیزه نیرومند بشر آروزگار در بهره‌گیری از این مکان ستودنی و در عین حال پرمخاطره نیازمند تخصص، امکانات و ابزار فنی و کار مداوم بود.

گزارش حاضر محصول ابراز جدید اعضای هیات و نتیجه بازدید از غار حیرت‌آور کلماکره می‌باشد. نگارنده بر خود لازم می‌داند به تناسب تلاش شبانه‌روزی در انجام امور و هموار نمودن مشکلات سفر، از اعضای محترم هیات قدردانی نموده و ضمن معرفی این عزیزان به شرح ذیل سپاس قلبی خود را به محضر یکایک آنان تقدیم دارد.

۱- آقایان: ملکی شجاع، دبیری، دزفولی، چگنی، نجف آبادی اعضای محترم کمیته غارنوردی باختران، به پاس اجابت تقاضای میراث فرهنگی لرستان و تلاش مستمر و بی‌وقفه در جابجایی اعضای هیات و انتقال ملزومات و تدارکات و همچنین پیشتازی و همراهی در پیمودن مسیر پرحادثه غار در این بازدید.

۲- آقای مهندس جلال مرادی کارشناس برانزنده امور آب استان لرستان که زحمت صعود و فرود و پیمودن راه دشوار بازدید از غار و تهیه و تدوین گزارش مقدماتی زمین‌شناسی منطقه را متحمل گردیدند.

۳- آقای مهندس وهاب شماسی به‌خاطر تلاش بی‌دریغ و مساعدت در تهیه گزارش مقدماتی زمین‌شناسی منطقه و ارائه توضیح اصطلاحات دشوار گزارش زمین‌شناسی.

۴- راهنمایان محلی: آقای علی راس جشن و همراهان به‌ازای کمک در نقل و انتقال وسایل کار و راهنمایی لازم در پیمودن کمرکش کوه و دهلیزهای تاریک غار.

۵- مامورین حفاظت میراث فرهنگی لرستان، استواریکم محمد جاوید مقدم و استواردوم امراثی و استواردوم نظری به‌سبب ابراز جدید در ایجاد نظم و نظارت بر تهیه و نقل و انتقال تدارکات و حفاظت.

۶- آقای محمدرضا گودرزی راننده خستگی‌ناپذیر میراث

فرهنگی لرستان به خاطر تحمل زحمت همراهی هیات در طول مسیر و همکاری صمیمانه در انجام کلیه امور.

۷- آقای علیرضا فرزین همکار فرهنگی، به پاس خطر در انتخاب زوایای دست‌نیافتنی و دشوار و ثبت هنرمندانه آثار و لحظات ماندگار ایام سفرو بازدید از غار

در پایان نه به قصد جبران خستگی‌های روحی و فرسایش شدید جسمی، باری حسب وظیفه اخلاقی یکبار دیگر سیاس بیکران خود را به عزیزان همراه تقدیم و اضافه می‌کند، که مزارت‌های سفر به غار باستانی و شگفت‌انگیز کلماکره را فقط سفر به غار کلماکره باز می‌گوید و بس!

۲- جغرافیای تاریخی منطقه

لرستان در تقسیمات کشوری به محدوده‌ای جغرافیایی از زاگرس میانی اطلاق می‌شود که در جنوب غربی ایران قرار دارد. وسعت این استان قریب سی هزار کیلومتر مربع می‌باشد.^۱ شرایط اقلیمی سازگار این منطقه از دیرباز تاکنون موجباتی اساسی برای توجه بشر به این محدوده جغرافیایی بوده است.

غارهای مسکون و منقوش پیش از تاریخ شمال کوه‌دشت موسوم به غارهای: همیان ۱ و ۲، غار میرملاط، غار منقوش دوشه در بخش چگنی و غارهای مسکون پیش از تاریخ: اشگفت قمری، پاسنگر، یافته، گراجرنه و غیره در دره خرم‌آباد نشان جذابیت مکان و ارزش حیاتی آنند. غارهای مسکون استان حاوی آثار زندگی طی دوره‌های موسترتین، بارادوستی و زارزی می‌باشند. وجود این آثار، کم و بیش ارزش حیاتی منطقه را طی تاریخی طولانی هویدا می‌سازد.^۲ از دوره گردآوری خوراک به بعد نیز تداوم تحولات فرهنگ بشری در این خطه را باید در انباشت لایه‌های آثار فرهنگی متعددی جستجو کرد که بر گسترده این استان کوهستانی و صعب‌العبور به چشم خورده و یادماند ساکنین قدیمی این سرزمین می‌باشند.

این آثار ارزشمند فرهنگی مبنای شناسائی هویت فرهنگی

و عمران و آبادی متناوب منطقه در دوره‌هایی از تاریخ است. آثار کم و بیش شناخته شده آن قسمت از مساحت استان که به تناسب وضعیت جغرافیایی امکان تردد بیشتری داشته است، تدریجاً "تحت حفاظت میراث فرهنگی درآمده است.

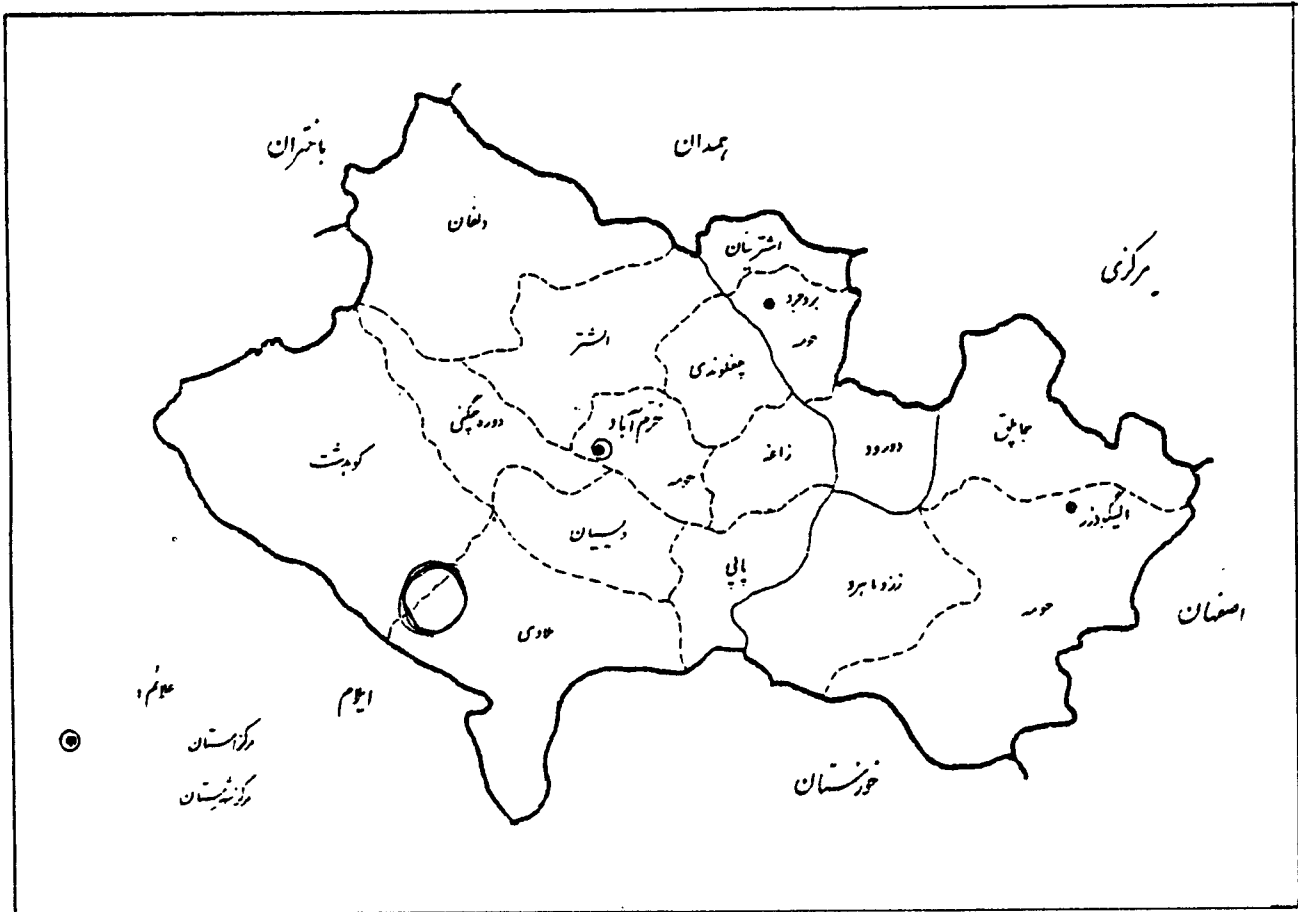
۱-۲- موقعیت غار

شهرستان کوه‌دشت در جنوب غربی استان لرستان قرار دارد (نقشه - ۱) این شهرستان از شمال و شمال شرقی به شهرستان نورآباد و بخش چگنی محدود است. حدود شرقی، جنوبی و غربی شهرستان را به ترتیب مجرای ماریچی رودهای کشکان و سیمره محدود می‌سازد. بخش رومشکان* در محدوده جنوبی شهرستان کوه‌دشت میان رودهای شتابان سیمره و کشکان قرار گرفته است. کوه مهله* که غار باستانی کلماکره در سطح برآفتاب آن واقع شده از جمله ارتفاعات جنوبی این بخش می‌باشد. این کوه حد فاصل مرکز بخش رومشکان و مناطق وریو مهله* و رماوند* است (کروکی - ۲). کوه به‌ظاهر منفرد ویزنهار* در غرب کوه مهله قرار گرفته و رودخانه کشکان و سیمره که اولی از شمال به جنوب و دومی از شمال غربی به سمت جنوب شرقی جریان دارند در جنوب کوه مهله به هم پیوسته و به سمت جنوب می‌تازند. حد شرقی کوه مهله تنگه‌ای است که مجرای رودخانه کشکان است و پل تاریخی دختر در این تنگه بر روی کشکان تعبیه شده و به همین نام نیز معروف است. ارتفاع کوه مهله از سطح دشت نزدیک به ۱۰۰۰ متر است (نقشه - ۳).

غار باستانی کلماکره در کمرکش کوه مهله، حدود ۱۵ کیلومتر در جهت شمال غرب با مرکز بخش پل‌دختر فاصله دارد. طول تقریبی دیواره کوه مهله در جنوب مرکز بخش رومشکان، حدود ۳۲ کیلومتر است. سطح برآفتاب این کوه دارای گسل‌های متعدد صخره‌ای است و غار کلماکره به ارتفاع ۵۵۰ متری از سطح دشت در سمت شرقی یکی از گسل‌های

۱- آمارنامه استان لرستان سال ۱۳۶۷ سازمان برنامه و بودجه، دیماه ۱۳۶۸ ص ۳

۲- دوره‌های پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران لرستان، نوشته فرانک هول، ترجمه سکندر امان الهی بهاروند، نشر اداره گل فرهنگ و هنر سال ۱۳۵۲ فصل اول، دوره شکار و گردآوری خوراک



نقشه شماره ۱

صخره‌ای واقع شده است (کروکی - ۴) .

دهانه غار به سمت غرب باز شده و در دل صخره بسوی شرق ادامه می‌یابد (عکس - ۳) .

باریکه راهی که از دامنه جنوبی کوه مهله بالا رفته و به سطح صخره محل دهانه غار می‌رسد، از دوروستا می‌گذرد . روستای جنوب شرقی دری باخ نام دارد و روستای جنوب غربی به طاق ملک حسین* معروف است (عکس - ۴) .

در این روستا بقایای شهرکی با مصالح سنگ و گچ دیده می‌شود که به‌جای خود توصیف خواهد شد .

گسل صخره‌ای که غار در سطح شرقی آن قرار دارد، از تیغه مرتفع کوه شروع و به سمت دامنه ادامه می‌یابد، ابتدای آن نزدیک به ستیغ کوه گسترده و هفت‌کنی نامیده می‌شود . در نزدیکی‌های دهانه غار که سطوح شرقی و غربی این گسل بهم نزدیکتر شده و عمیق‌تر می‌نماید، شکلی ناودانی با شیب تند یافته و "قوه غلامرضا"* نام دارد .

۲-۲- زمین‌شناسی منطقه

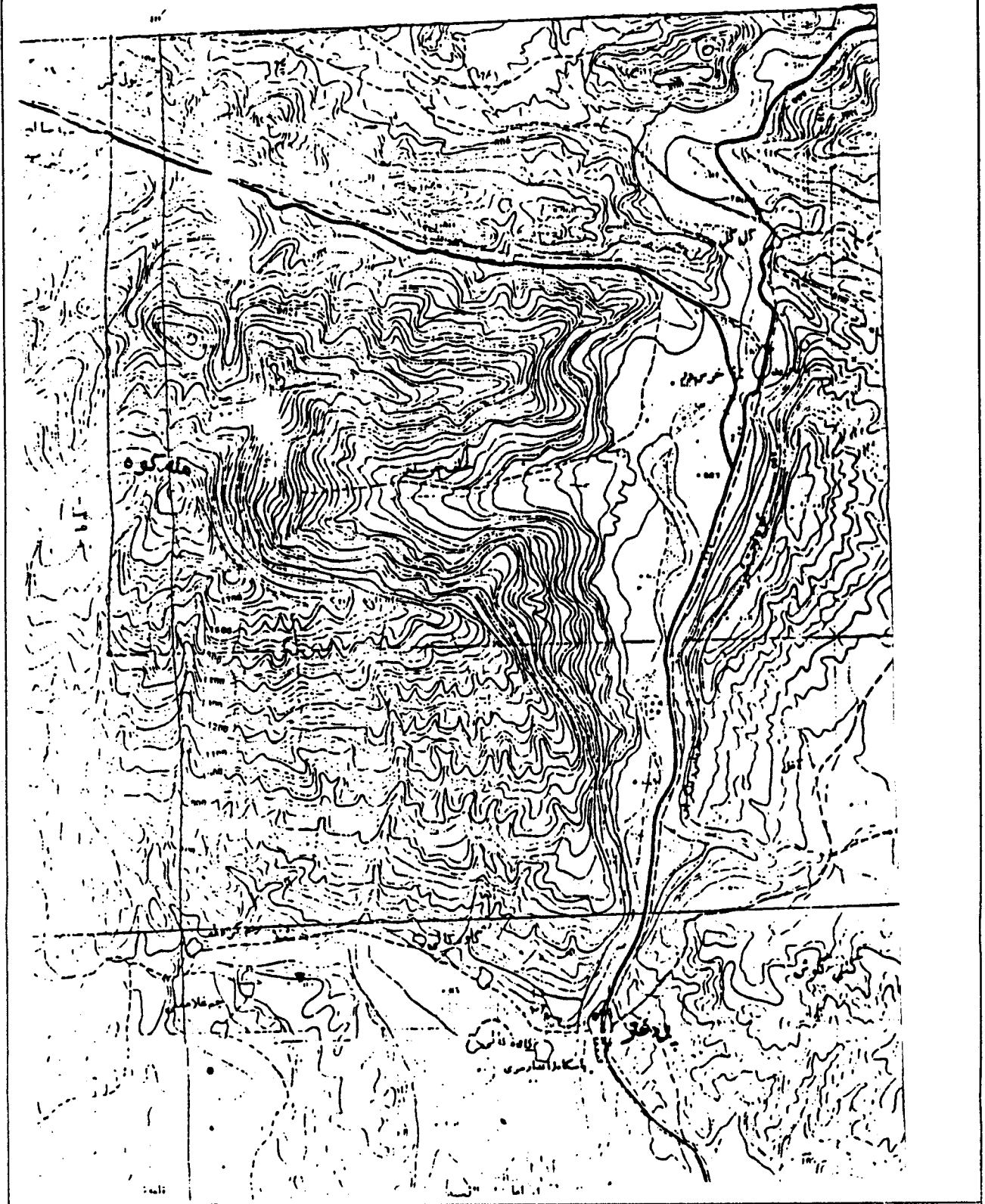
گزارش مفصل زمین‌شناسی منطقه توسط آقایان : مهندس مرادی و مهندس شماسی کارشناسان امور آب استان لرستان تهیه شده است . خلاصه‌ای درخور این مقال، از گزارش مزبور استخراج و ذیلاً به‌نظر می‌رسد :

قسمت اعظم لرستان در منطقه چین‌خورده زاگرس فولدزون* قرار دارد . سازندهای* زمین‌شناسی منطقه که بیرون زده می‌باشند عبارتند از : سازند گچی ، سازند نمکی گچساران ، سازند آجاجاری ، سازند آسماری ، لنداسلاید* ، کشکان و آبرفتهای دوران چهارم زمین‌شناسی .

منطقه پل‌دختر و ارتفاعات مهله در جنوب کوه‌دشت در این منطقه قرار گرفته و این تشکیلات تا شعاع یکصد کیلومتری غار را دربر گرفته‌اند (کروکی - ۵) .

کوه "مهله" در رده همان سازند دوکی شکل منطقه فولدزون می‌باشد، که سازند آهکی آسماری است و سن سازند مربوط به زمان الیگومیسن* است . این منطقه در

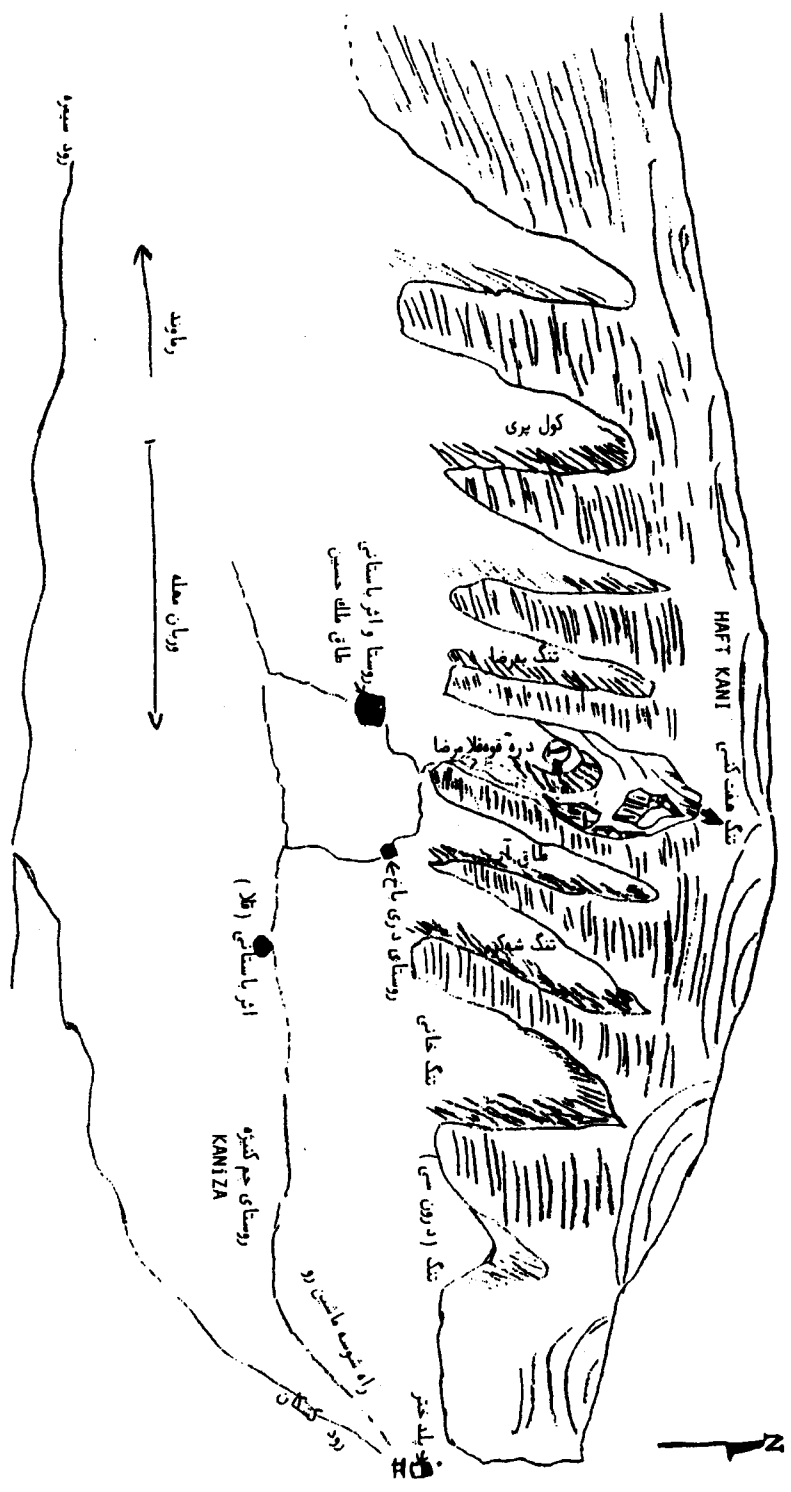
طول جغرافیایی ۶۰°/۲۹' [حسب اعلام اورآب استان لرستان
عرض جغرافیایی ۱۲°/۳۳'



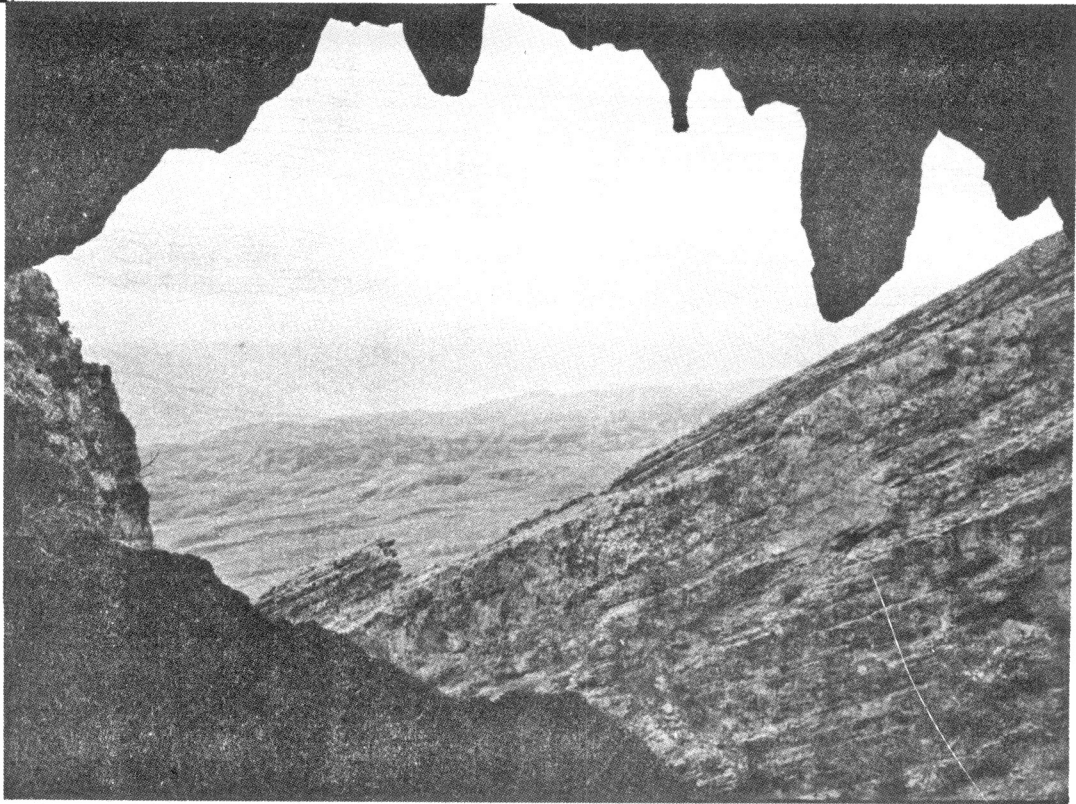
نقشه شماره ۳

کروکی شماره ۴

کروکی تقریبی بخش شرقی کوه مصله و کیفیت تنگ‌های جنوبی این کوه در این قسمت (دید از جنوب)
۱- دهانه غار گلگاره در سمت راست دره صخره‌ای (قوه غلا برضا) واقع در تنگ صخره‌ای مصله کتسی
HAFT KANI



کروکی شماره ۴



۳- دهانه غار کلماکره دید از درون غار

در دوره‌های زمین‌شناسی صورت گرفته است. یعنی قبل از اینکه غار در کد فعلی (۱۴۰۰ متر از سطح دریا) قرار گیرد. قبلاً "در کدی به مراتب پایین‌تر بوده و در همان زمان عمل کارستی شدن رو به تکامل گذارده و غار در مراحل تشکیل و حتی کامل شدن قرار گرفته است.

طبق نظریه گروند*، خودسازند از سفره‌های اشباع آب زیرزمینی برخوردار و دارای سطح آزاد آب کارستی بوده که در نتیجه ادامه فرایند تکتونیک* و زمان زمین‌شناسی و عمل فرسایش و بالا آمدن مداوم، بشکل فعلی درآمده است.

۳-۲- بستر فرهنگی و برخی آثار گرداگرد غار

گرچه سطح کوهستانی صعب‌العبور استان لرستان و شهرها و بخشهای تابعه آن تاکنون مساحی نشده و آن تعداد از آثار شناخته شده نیز هنوز مورد بررسی کارشناسانه یکدستی قرار نگرفته است، ولی مساحی سطح قابل تردد استان تاکنون به‌شناسایی بیش از هفتصد اثر فرهنگی انجامیده است. از این تعداد بیش از صد اثر مهم فرهنگی

اواخر الیگوسن و اوائل میوسن* توسط سازند آسماری رسوب‌گذاری شده و جزئی از ژئوسینکلینال* (زمین نادویس) زاگرس می‌باشد. این ژئوسینکلینال تحت فشارهای جانبی و پدیده‌های کوهزایی آلپین شروع به خارج شدن از دریاها نموده و با عقب‌نشینی دریاها مواجه گردیده است.

بعد از خروج سازند از کف دریا و عقب‌نشینی دریا بر اثر عملیات کوهزایی، عمل کارستی* شدن این سازند آغاز گردیده و آهکها پس از کشاکش زیاد و تحت تاثیر فرسایش ناشی از شرایط جوی و پرسهای تکتونیکی*، عصر حاضر به شکل فعلی درآمده است. لازم به‌ذکر است که اصولاً "تشکیل اینگونه غارها و بطور کلی هرگونه شکاف از عمل انحلال آهکها صورت می‌گیرد.

ژنز* و چگونگی پیدایش غار در این ارتفاع به‌لحاظ زمین‌شناسی و بوجود آمدن پدیده‌های بسیار زیبا شگفت‌انگیز استالاکمیت‌ها* و استالاکتیت‌ها* و همچنین تداوم ساخت آنها در حال حاضر اهمیت ویژه دارد. عمل کارستی شدن در این منطقه دقیقاً "در مراحل بیرون آمدن و فرسایش

نیز بین آثار فرهنگی معتابهی محاط است. مهمترین آثار این منطقه به ترتیب عبارتند از:

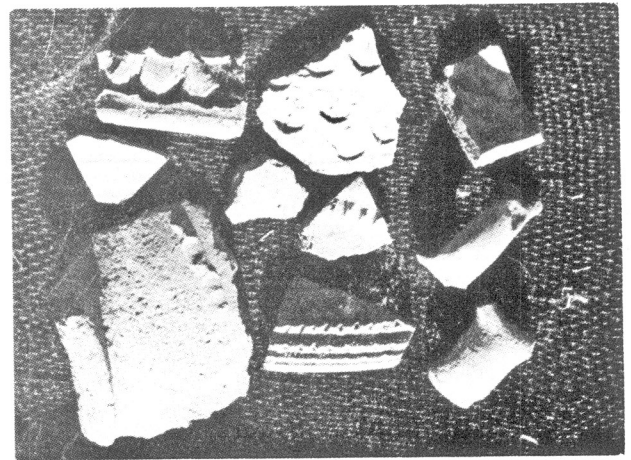
بقایای بنای گسترده به وسعت بیش از ۱۰۰۰ متر مربع بر فراز کوه مهله و اثر بنای معروف قلعه کوهزاد برفراز قلعه شرقی کوه ویزنهار در شمال غرب کوه مهله و آثار و بقایای تپه‌ها و محوطه‌های متعدد باستانی رومشکان در شمال غار، نظیر: چغاسیز* و چقابل و غیره، و بقایای معماری سنگی وسیع شرق چقابل موسوم به زاغه (زاخه).

گرچه برای معرفی بهتر اهمیت فرهنگی بخش رومشکان دست‌کم ذکر نام یکایک آثار دهستان رومشکان نظیر آثار: خرسدر، پروپریز، بقعه متبرکه سید صلاح‌الدین موسوم به سهل نادان واقع در دامنه شمالی کوه مهله، آلمین آوا، توه‌حشکه، و اشاره به آثار وریو مهله، رماوند پائین، چم خزانه، رماوند بالا، زیر تنگ سیاب و غیره لازم به نظر می‌آید، ولی از آنجا که ذکر این فهرست بدون کمک نقشه بررسی منطقه امکان‌پذیر نمی‌باشد، لذا از اطاله کلام در گذشته و بهمین مختصر اکتفا می‌نماید. توجه به این نکته ضروری است که غار باستانی کلماکره واقع در مسیر شریانهای اقتصادی سیاسی منطقه و مجاور پلهایی چنین عظیم و ارزنده باید اثری مهم و دارای پیوند فرهنگی استوار با دیگر آثار گرداگرد خود تلقی گردد، و از این زاویه نیز بدان نگریسته شود.

۳- وضعیت فضای غار

راههای جدا شده از روستاهای دامنه جنوبی مهله به سمت غار کلماکره در دامنه کوه چون رشته‌های نخی خام و باریک بر سینه‌کش کوه پخش شده و نهایتاً "در سطح حاصل از پس نشستگی یک صخره عمودی بهم می‌رسند. این سطح کم‌وسعت محلی است که می‌توان برای تهیه و تدارک وسایل فرود از صخره و ورود به غار کلماکره در آن اتراق کرد.

صخره‌ای که پلکانی عقب‌نشسته و در جهت شیب کوه واقع شده ممتد نیست، در بریدگی آن واقع در سمت شمال شرقی دهانه غار در گذشته سیل‌بندی تعبیه شده است. این سیل‌بند که خشکه چینی از سنگهای کوچک و بزرگ (بین ۳۰۰ تا ۲۰ کیلوگرم) و بطول نزدیک ۲۰ متر است، گویی برای تغییر مسیر سیل از دهانه غار بوده است. فاصله



۴- نمونه سفالیند روستای باستانی دامنه کوه (طاق ملک حسین)

در شهرستان کوه‌دشت قرار دارد.

بخش رومشکان در جنوب کوه‌دشت از شرق به غرب نیز دارای آثار فرهنگی قابل اعتناست. مهمترین آثار منطقه به ترتیب فاصله از غار کلماکره در جهات مختلف عبارتند از:

بقایای شهرکی کهن به وسعت ۴ هکتار در دامنه جنوبی کوه مهله و اثر یک بنای تاریخی به وسعت ۱۰۰۰ متر مربع در جنوب شرقی غار در مسیر راهی باستانی که از تنگه پل‌دختر گذر کرده و دامنه جنوبی کوه مهله را درمی‌نوردیده است، انشعابی از این راه به سمت جنوب از پل معروف نمشت* می‌گذشته است بقایای این پل باستانی که با انحراف آب از مسیر اصلی در کنار سیمه بریاست در جنوب غربی غار قرار دارد.

در تنگه شرقی کوه مهله و غار باستانی نیز باید به پل تاریخی دختر اشاره کرد که بر روی رودخانه سرکش کشکان تعبیه شده است. پل گاومیشو* نیز که ارتباط کناره‌های سیمه را در گذشته تامین می‌کرده، در جنوب شرقی غار و حدود پنج کیلومتر پائین‌تر از تلاقی رودهای پرآب سیمه و کشکان برپا شده است. علاوه بر آثار پلهای عظیم منطقه و راههای ارتباطی آن، چند تپه باستانی نیز در این محدوده شناسایی شده است.

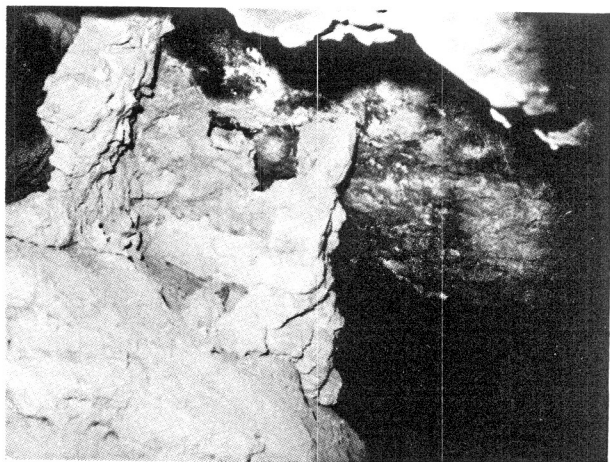
وجود چنین آثاری مهم در جبهه‌های جنوب شرقی و غرب غار باستانی، خود گواه نیرومند اهمیت فرهنگی منطقه به حساب می‌آید. غار باستانی از سمت شمال و شمال غربی

(کروکی - ۷) .

به نظر می‌رسد زایده‌ها وسیله‌ای را در دل صخره فرو می‌برده و آنرا بدین ترتیب مهار می‌کرده‌اند. در لابلای صخره‌های فروریخته حد فاصل سمت جنوب و شمال دهانه غار، چند جا بقایای دیواره‌چینی محدود با سنگ قلوهای و ملاط گچ و خاکستر خودنمایی می‌کند. این دیوارها تخریب شده و نمونه‌های کمی از آنها باقی است.

در همین مسیر کمی جلوتر در سمت جنوبی مدخل تالار نخست غار بقایای دیواره‌ای چهارگوش به ارتفاع هشتاد سانتیمتر و وسعت حدود ۲ متر مربع با مصالح قلوه‌سنگ و ملاط گل رس و گاه دیده می‌شود (عکس - ۵) .

ورود به فضای گسترده تالار نخست، مستلزم صعود از صخره‌های فروریخته و برهم دهانه غار است. نور ضعیفی تا عمق ۱۰ متری دهانه در این تالار رفت‌وآمد را ممکن می‌سازد، ولی از آن پس تاریکی محض بوده و بدون استفاده از نور مصنوعی امکان پیشروی وجود ندارد. در این تالار تخریب فراوانی صورت گرفته است و در سمت شمالی دهانه شاید تا عمقی بیش از ۵ متر از لایه‌های باستانی را خاکبرداری نموده و خاک آنرا به ته دره حدوداً ۶۵ متری فروریخته‌اند. شاید بتوان گفت از مساحت گسترده این تالار تنها وسعتی کمتر از ۲۰ متر مربع بکر و دست‌نخورده باقی مانده است. بر گستره کف رسی و نرم این تالار علاوه بر انواع سفالینه ساده و منقوش و خشن و ظریف دوره استفاده از غار، قطعات پراکنده استخوان اعضای بدن انسان از جمله



د- نمونه یکی از دیواره چینی‌های تالار اول غار با مصالح سنگ و ملاط (گل رس و گاه)

سیلند تا ابتدای سطحی که دهانه غار بر بدنه آن دیده می‌شود حدوداً ۳۰۰ متر می‌باشد.

بر فراز صخره پلکانی و پس‌نشسته دیگری در شرق دهانه غار و به فاصله ۵۰۰ متری از دهانه آن، آثار یک دیواره خشکه‌چین دیگر دیده می‌شود. جز انجام برخی مراسم ویژه مذهبی (نیایش و تدفین) کاربرد دیگری برای این دیواره که مساحتی از سطح شیب‌دار شرقی صخره را با آن هم‌تراز نموده‌اند، متصور نیست!؟

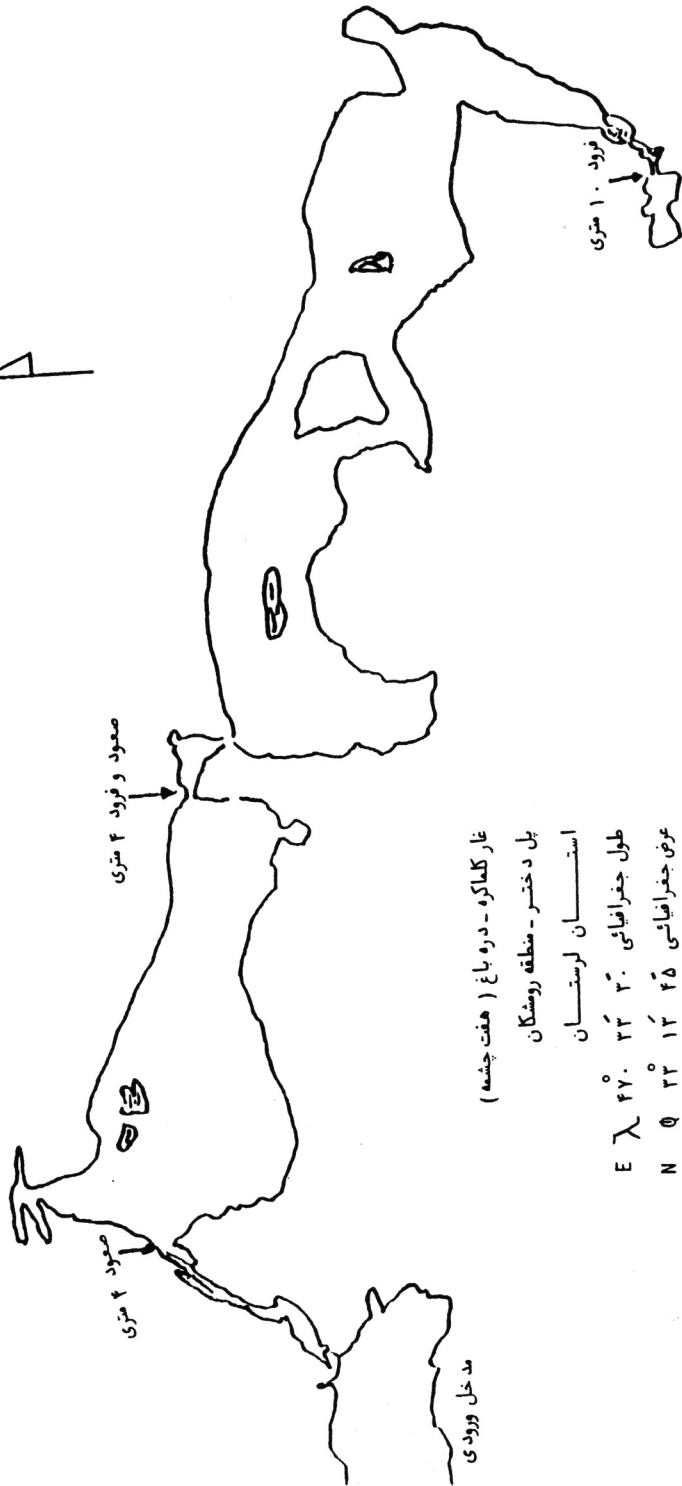
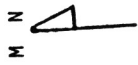
غار باستانی کلماکره در کوه مهله تا آنجا که شناسایی شده، که از چهار تالار نسبتاً گسترده با دهلیزهایی پریچ و خم، ورودیهای حفره‌ای و فراز و نشیبهای مخصوص به خود تشکیل گردیده است (کروکی - ۶) .

ورودی غار که در برشی صخره‌ای و قائم جبهه شرقی گسل قرار گرفته حدود ۱۵ تا ۲۰ متر پائین‌تر از سطح فوقانی صخره می‌باشد.

ارتفاع سطح قائم صخره‌ای محل دهانه غار از سطح فوقانی تا ته اولین دره‌ای که دهانه غار بر آن مشرف است بین ۸۰ تا ۱۰۰ متر می‌باشد. بر روی صخره محل فرود، و ورود به غار آثار دست انسان دیده می‌شود، ولی به مرور زمان محو شده و صیقل خورده است. در نتیجه برای ورود به این غار فعلاً جز فرود از این ارتفاع ۱۵ تا ۲۰ متری و گذشتن از باریکه راهی بزرگ طول ۱۰ متر به سمت ورودی جنوبی دهانه غار، راه دیگری وجود ندارد.

پس از فرود است که دهانه دریده و فروریخته غار ظاهر می‌شود. درخت انجیری از نوع نامرغوب (کره)* در دهانه آن خودنمایی می‌کند. طول دهانه غار نزدیک ۲۰ متر و ارتفاع آن بین ۱ تا ۷ متر است. ورودی فعلی در جنوب دهانه قرار گرفته و کمترین ارتفاع را دارد و پس از فرود باید نشسته از آن گذر کرد. حد فاصل ورودی فعلی در جنوب دهانه با قسمتهای باز شمالی دهانه غار صخره‌های فروریخته و یک ستون صخره‌ای به قطر حدود ۱ متر است. عرض این ورودی از ۱/۵ متر تجاوز نمی‌کند. بر بدنه صخره‌ای و قائم این ورودی در سمت جنوب در دو محل به فاصله هفتاد سانتیمتر از یکدیگر آثار کنده‌کاری دیده می‌شود، این آثار حالتی شیاری داشته و بطول ۱۵ و عمق ۵ سانتیمتر، بطور عمودی در امتداد هم قرار گرفته‌اند

کروکی شماره ۶



غار کلاکوه - دره باغ (هفت چشمه)

پل دختر - منطقه روشکان

استان لرستان

طول جغرافیائی ۳۰' ۳۴" E λ

عرض جغرافیائی ۴۵' ۱۲" N φ

نوع غار - افقی دیوارهای

طول غار - ۵۰ متر

نقشه از - فرامرز زنگویی

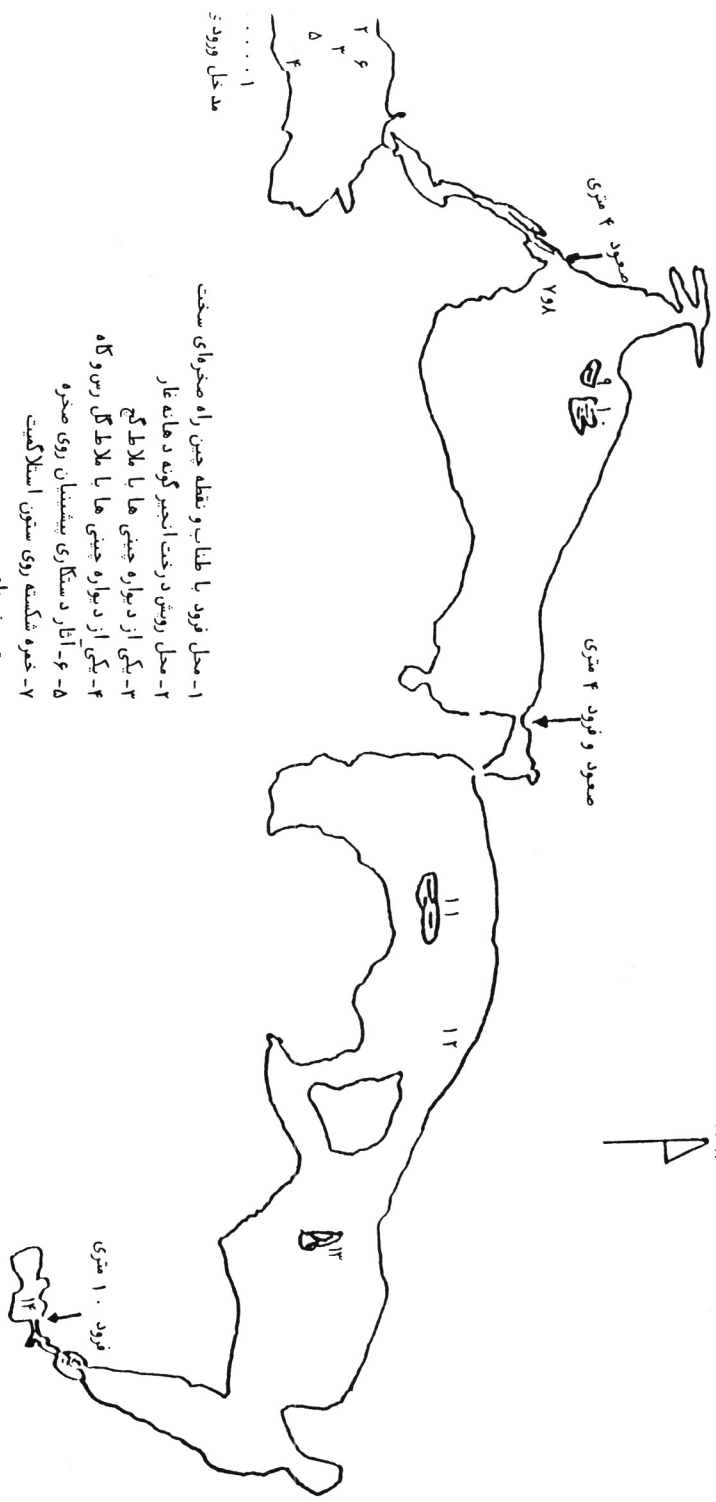
مقیاس ۱:۵۰

- ۴۲ -



کمیته غارنوردی کانون کوهنوردان باختران

کروکی شماره ۷



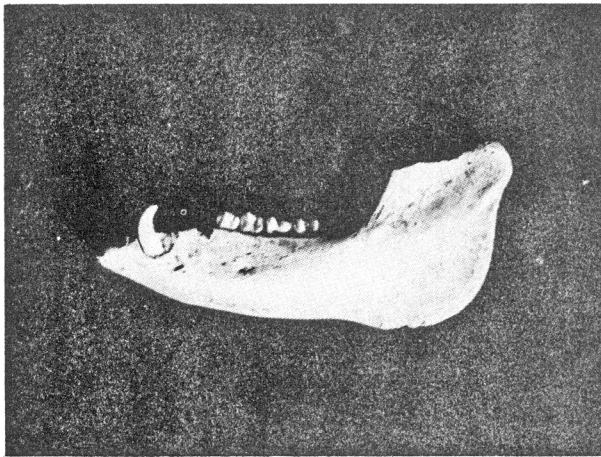
- ۱- محل نورد یا طناب و نقطه چین راه صحرای سخت
- ۲- محل رویش درخت انجیر گونه دهانه غار
- ۳- یکی از دیواره چینی ها یا ملاط گچ
- ۴- یکی از دیواره چینی ها یا ملاط گل رس و گاه
- ۵- آثار دستکاری بیشمنان روی صخره
- ۶- خمره شکسته روی ستون استلاگیت
- ۷- ستون خمرهای
- ۸- آبخالهای همرس و طبیعی
- ۹- چاه صحرای و انتهای غار در این مسیر

- ۴۲ -



کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کروکی شماره ۷



۷- نصف فک زیرین حیوان، مکشوفه از تالار اول غار کلماکره

فضای سنگین تالار دوم احساس می‌شود. برای نظاره وسعت تالار یا حتی تخمین مساحت آن نور کافی لازم است. نور ضعیف و گم شده در فضای دم‌کرده و تاریک غار در حدی بود که می‌شد تنها به فاصله حداکثر ۲ متری را آنهم بسیار کم‌رنگ مشاهده نمود. سمت شمال ورودی این تالار با خمره‌های بزرگ و متوسط که به طرز خاص روی ستونهای استالاکمیت گذارده شده‌اند آذین بسته شده است، روی یکی از این خمره‌ها را که دچار شکستگی شده، لایه‌ای به ضخامت ۳ تا ۴ سانتیمتر رسوبات آهکی (کربنات کلسیم) فرا گرفته است. ارتفاع این خمره حدوداً ۸۰ سانتیمتر است (عکس - ۸).

دیگر ستونهای ۲ تا ۳ متری استالاکمیت کنار هم فرم کاملاً "خمره‌ای" دارند و احتمال دارد که پوشش رسوبی خمره‌های موجود دیگر را به شکل ستونهای چنبره‌زیا و پرتلاؤ درآورده باشد (عکس - ۹).

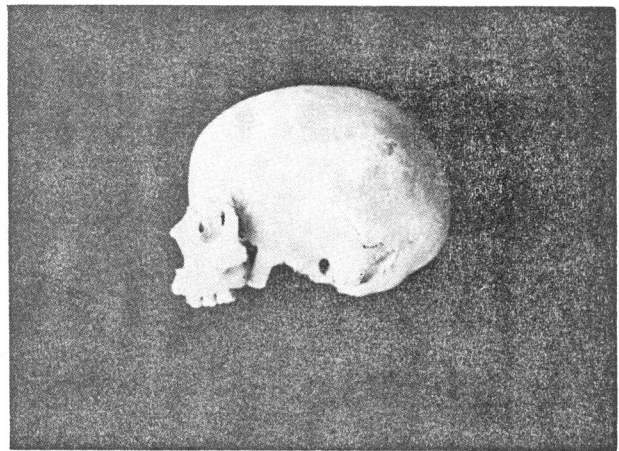
در سمت جنوب این ورودی ستونهای بسیار زیبا، نظیر تنه درختهایی ردیف‌کاری شده به چشم می‌خورد، تعدادی از این ستونهای رسوبی همانند ردیفی از انسانها، چنان کنار هم قرار گرفته‌اند که گویی برهنگانی پیش از تاریخ در حال برگزاری مراسم رقصی مذهبی باشند. (عکس - ۱۰). تعداد زیادی از ستونهای این قسمت را به امید دستیابی بر گنج شکسته و درهم ریخته‌اند و آثار ضربات سخت نیز بر روی برخی دیگر کاملاً "مشهود است. کف این تالار با چشم‌اندازی بسیار زیبا تماماً "سنگی و انباشته از

یک مجسمه ناقص و قطعات استخوان اعضای بدن جانوران حلال گوشت نظیر: کل*، دندان اسب و یک مورد هم فک زیرین یک حیوان گوشتخوار و نسبتاً "قوی، شاید پلنگ مشاهده شده است که توسط حفاران غیرمجاز از دل خاک بیرون شده است (عکسهای - ۶- ۷).

از زیباییهای طبیعی این تالار زبان‌گونه‌ای رسوبی و روییده بر سقف دهانه غار است که با حالتی ناودانی روی صخره ماسیده است. بر بدنه سطوح سنگی غار حفره‌های متعدد دیده می‌شود که شناسایی آنها در گرو فرصت مناسب و نیروی کارآمد و مجرب است.

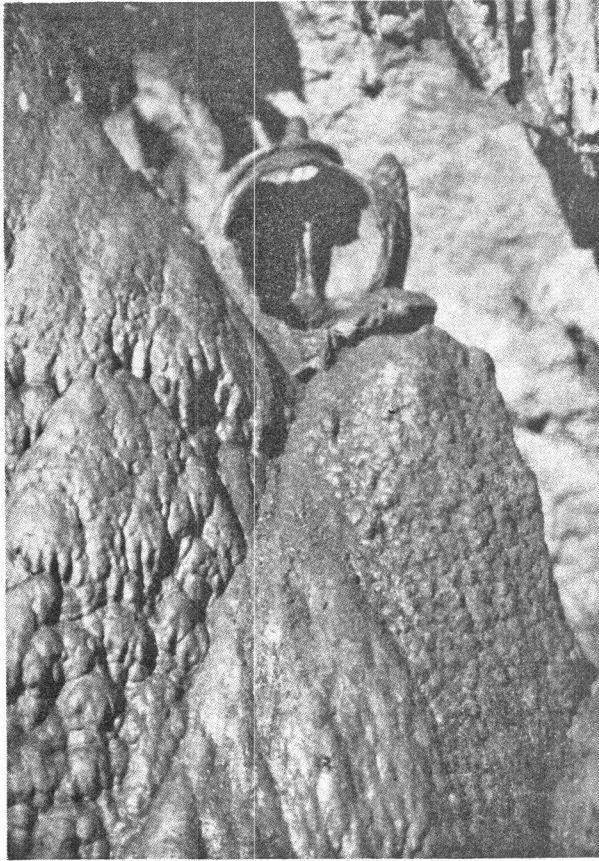
در گوشه شمالی انتهای این تالار تخریب شده که مساحت آن در نظر اول ۴۰۰ متر و پس از تامین نور کافی حدود ۸۰۰ متر تخمین زده می‌شود، حفره‌ای بر روی کف این گوشه به قطر تقریبی ۷۰ تا ۸۰ سانتیمتر دیده می‌شود که ورودی شناخته شده تالار دوم محسوب است. این حفره نزدیک ۳ متر ادامه داشته و سپس به‌دھلیزی به ارتفاع متوسط ۱/۲۰ سانتیمتر و عرض حدود ۱ متر متصل می‌شود، پیمودن این حفره بطور سینه‌خیز و دھلیز پر فراز و نشیب پیوسته به آن تا ورودی تالار دوم بسیار دشوار است.

در حد فاصل تالار اول و دوم و در مسیر این دھلیز پرپیچ و خم، فضاهای نسبتاً "بازی دیده می‌شود که نیاز به شناسایی بیشتر دارند، ولی در این مرحله از بازدید غار امکان ورود به فضاهای جانبی وجود نداشت. با صعود سینه‌خیز از یک سربالایی سب‌خورده و لیز،

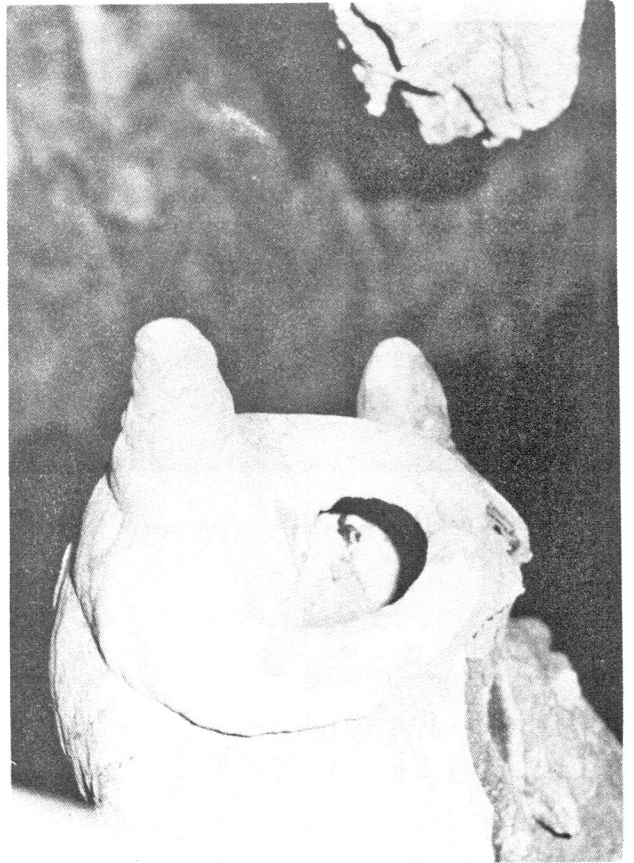


۶- مجسمه انسان مکشوفه از محوطه تالار اول غار کلماکره

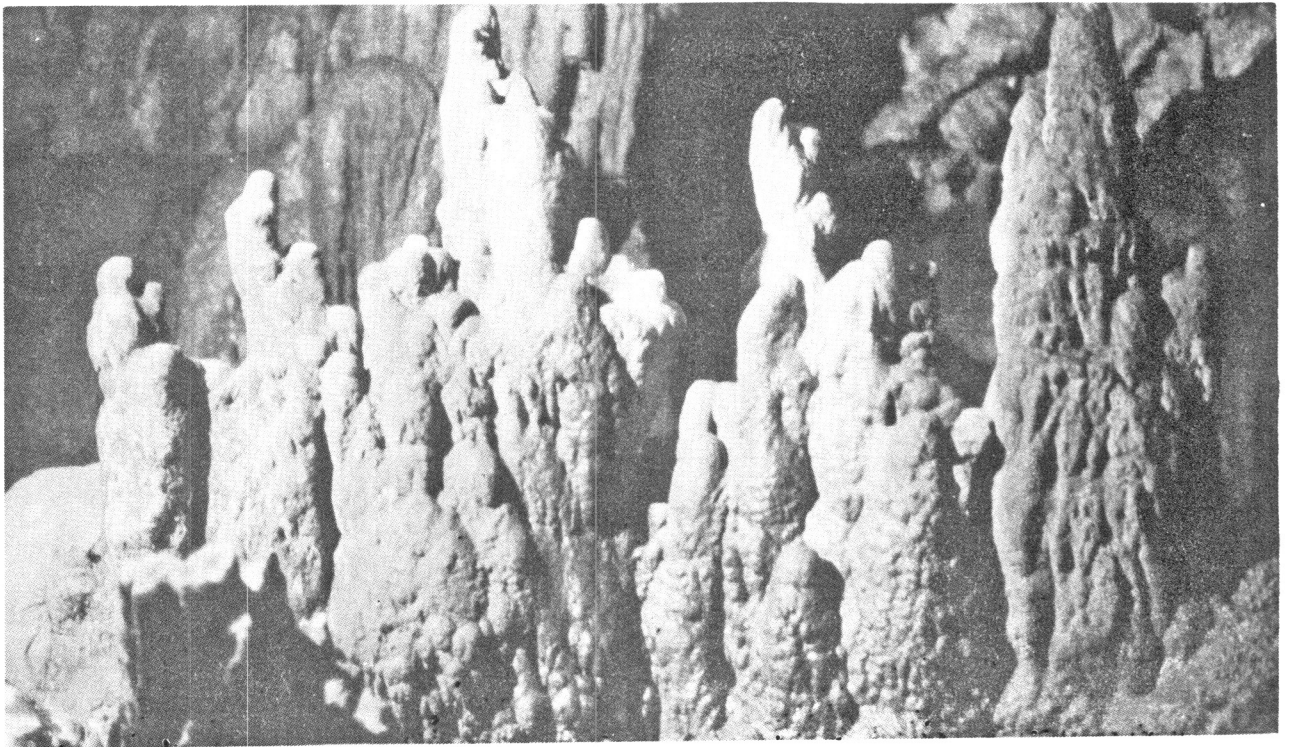
(دید از پهلو)



۹- دورنمای خمیره شکسته و ستون خمیره‌ای کنار آن در مدخل تالار



۸- خمیره شکسته بر روی ستون استلاگمیت در مدخل تالار دوم



۱۰- ستونهای رسوبی همانند، دیفی از انسانهای برهنه

از تصویر امکان پذیر نمی باشد، ولی امید این است که ولو نارسا تصویر مناظر ستودنی آن صاحب نظران را برانگیخته تا به بازشناسی تحولات فرهنگی و شناخت کاربرد اساسی آن همت گمارند.

مجموع شواهد نشان می دهد که تالار دوم با آویزه های شکوهمند رسوبی بسان غنچه های سرنگون گل لاله و ستونهای کوچک و بزرگ (عکسهای ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵)، در هیئت تنه درختان سالخورده یا میوه کاج و دیگر تزئینات چین خورده پرده ای، در گذشته کاربرد متمایزی از تالار نخست داشته است، و برای پیشینیان مکانی مهم و شگفت آور محسوب می شده است.

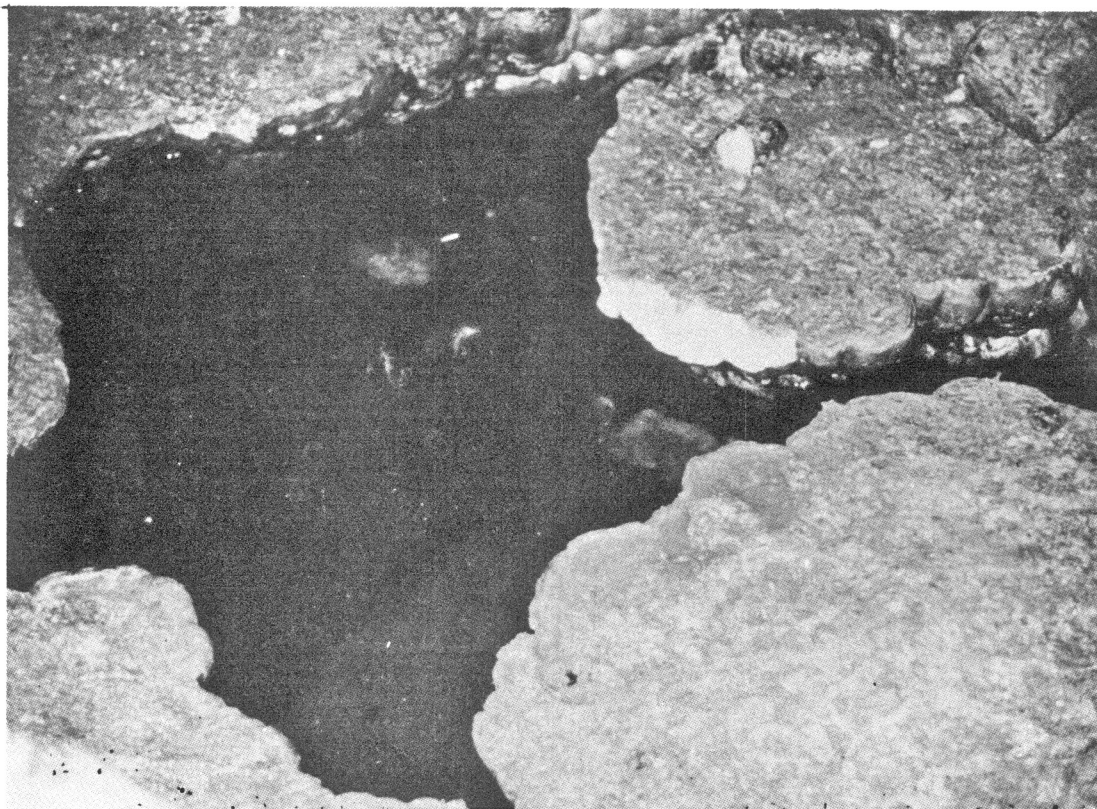
طبیعت منظری زیبای این تالار تلاء لو آویزه های مرواریدگون رسوبی سقف و سطوح جانبی غار در بیننده و بخصوص وجود آب کافی، اهمیت آنرا به خوبی هویدا می سازد. در انتهای این تالار علاوه بر حفره های متعدد ناشناخته، ستونی رسوبی زیبا در ارتفاع ۴ متری دیده می شود که با صخره سمت جنوب نزدیک ۴۰ سانتیمتر فاصله دارد، حد فاصل ستون

صخره های حجیم و رسوبات فروریخته یا از زمین برآمده است. بر روی کف و در درون حفره های جانبی و لابلای صخره های برهم ریخته این تالار نیز قطعاتی استخوان و انواع سفالینه ساده و منقوش دیده می شود. مساحت این تالار در نظر اول ۴۰۰ متر و در بازدید بهتر با استفاده از نور نسبتاً خوب ۷۴۰ متر تخمین زده می شود. ارتفاع این تالار بین ۸ تا ۱۵ متر نوسان دارد، حفره های بسیاری در سطوح جانبی غار پایین و بالا دیده می شود.

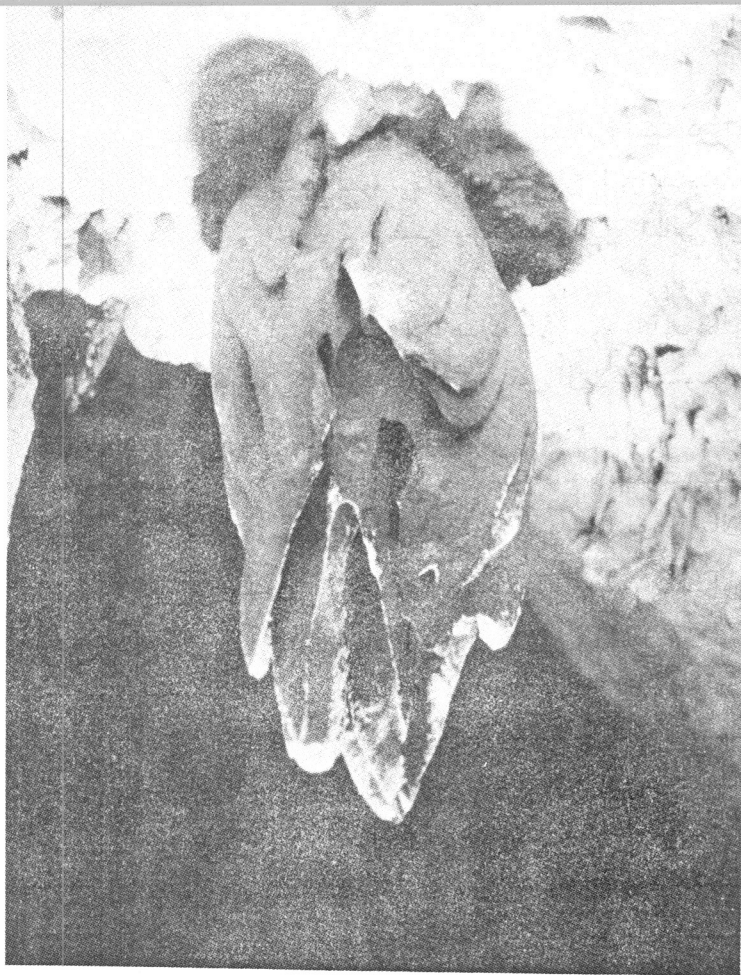
در دامنه سطح تقریباً شمالی و قائم تالار، چند آبیچال طبیعی با لبه مژرس و متقارن و، مملو از آب زلال دیده می شود (عکس - ۱۱). با وجود فقدان کامل نور در تالارهای غار موجوداتی نظیر: موش در ابتدای تالار نخست و سوسک و خفاش در تالار دوم دیده می شود.

دریافت کنه مطلب و اشراف بر سرگذشت استفاده از غار باستانی کلماکره و دریافتن ارزش فرهنگی آن مستلزم کار زیاد و حضور تخصصهای گوناگون است. اینجا به ناچار بیشتر به توصیف ارزشهای تصویری آن پرداخته می شود، هر چند که القای تصور درست از این همه زیبایی بدون بهره گیری

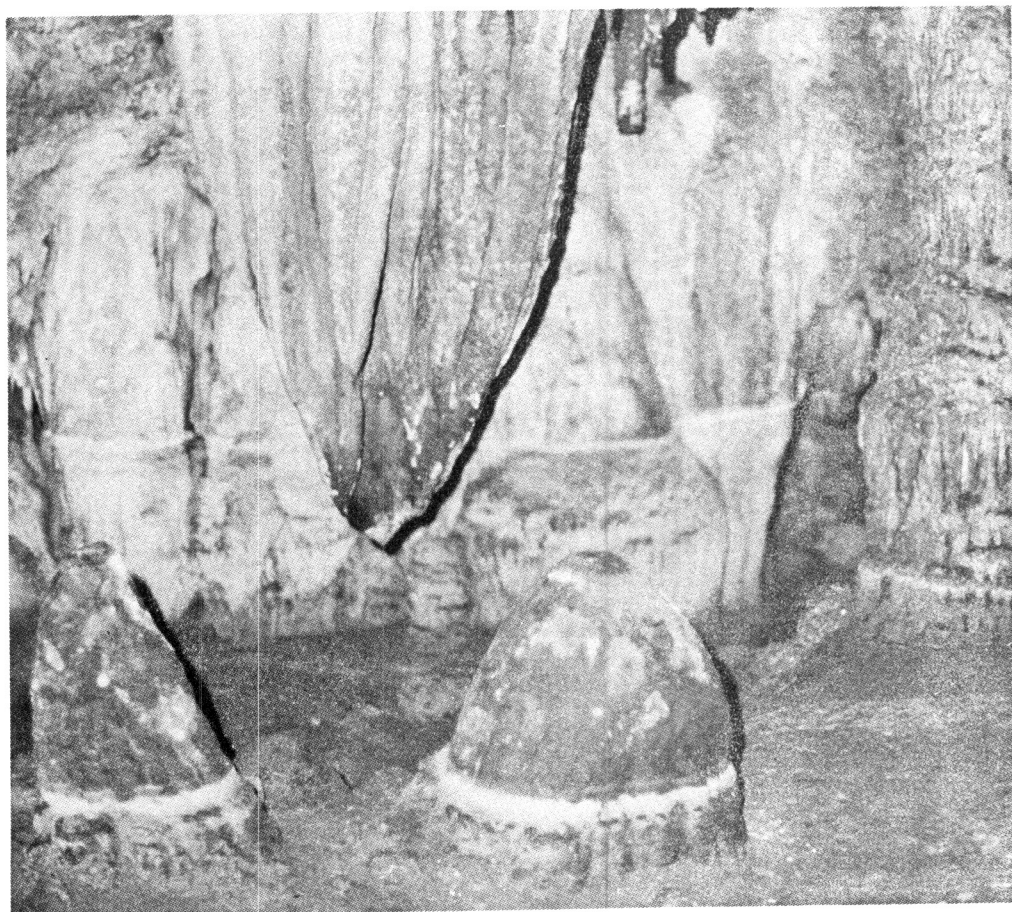
۱۱- نمونه یکی از آبیچالهای طبیعی تالار دوم غار کلماکره

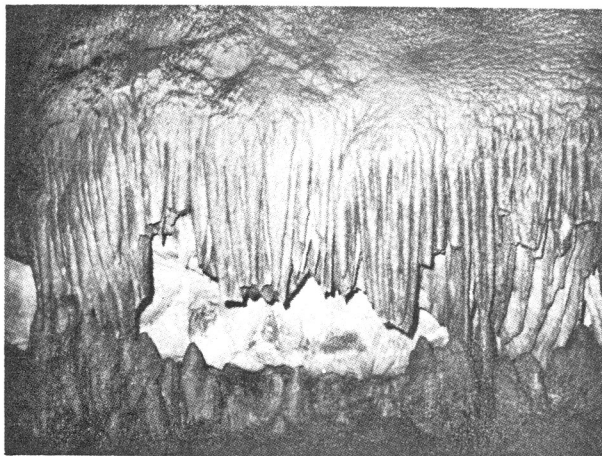


۱۲- یکی از تزئینات رسوبی تالار دوم
(غنچه سرنگون گل لاله)



۱۳- نمونه استالاکتیتها و استالاگمیت‌های آویزان و برآمده
تالار دوم غار گلماکره



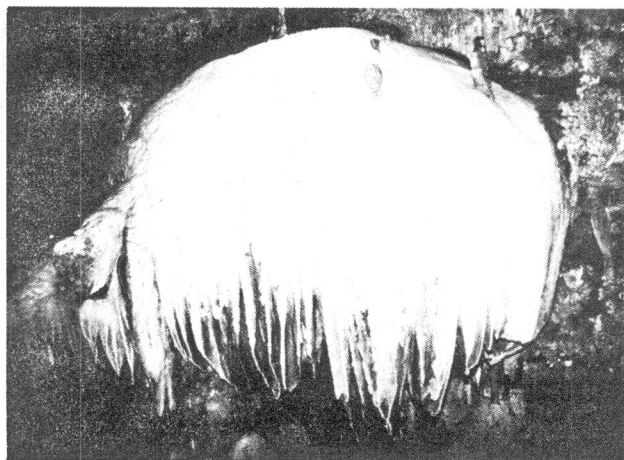


۱۵- رسوبات چین‌دار پرده‌ای تزئینات سطوح جانبی تالار دوم

در جای جای سطوح جانبی این تالار نیز حفره‌های مشکوک و متعدد بسیار دیده می‌شود، ولی امکان شناسایی همه این حفره‌ها دست نداد. در انتهای سمت شرقی تالار و بعد از یک سربالایی تند، دهانه دهلیزی در ارتفاع تقریباً " ۳ متری از کف غار دیده می‌شود، طول این دهلیز



۱۶- نمای دو ستون کامل در تالار سوم



۱۴- قارچ‌گونه‌ای رسوبی، از دیگر تزئینات خیره‌کننده تالار دوم

رسوبی و صخره، ورودی تالار سوم است. این ورودی کم‌عرض خود در کنار آبشار گونه‌ای رسوبی قرار گرفته که شرابه‌های منظم و منجمد آن با درخششی خیره‌کننده از ارتفاع ۱۰ متری روی سطح صخره ماسیده و با شیبی بسیار تند و لغزنده به‌کف تالار می‌رسد.

برای دسترسی به ورودی تالار سوم در کنار این آبشارگونه بلوری، صعودی ۴ متری از روی سطح لغزنده شمال آبشار رسوبی و عبوری پرهزمت از حد فاصل ۴۰ سانتیمتری ستون و صخره لازم است.

پس از عبور از این دریاچه کم‌عرض و ارتفاع، باید با فرودی ۶ متری روی سطح لغزنده دیگر با شیب تند و سپس عبور خمیده از یک حفره، وارد تالار سوم شد. در سمت شمال شرقی ورودی تالار سوم، ورودی دیگر دیده می‌شود که هنوز مورد شناسایی قرار نگرفته است.

در تالار سوم که از حیث وسعت، منظر و طبیعت از دیگر تالارها ممتاز است، تنها قطعاتی سفالینه ساده و منقوش بر روی کف سنگی آن بچشم می‌خورد. تزئینات شرابه‌ای رسوبی و آویزهای درخشان و آب‌چالهای گسترده و ستونهای کامل شده و قطور (به‌قطر ۱/۵ تا ۳ متر) (عکس - ۱۶)، از ویژگیهای این تالار است. وسعت این تالار نخست ۸۰۰ متر مربع تخمین زده شد ولی پس از مساحتی تقریبی و استفاده از نور کم نزدیک ۱۷۸۰ متر مربع برآورد گردید. به‌منظر می‌رسد سقف این تالار بین ۳ تا ۱۵ متر ارتفاع داشته باشد. عرض این تالار بین ۷ تا ۱۸ متر نوسان دارد.

زیاد و عرض و ارتفاعی بین ۸۰ تا ۱/۲۰ سانتیمتر دارد .
این دهلیز به تالار چهارم ختم می شود .

سقف تالار چهارم در واقع ادامه سقف تالار سوم است ،
ولی در کف بعلت ریزش سقف در دوره‌های کاملاً " مفروز شده
است . سطح این تالار اغلب آبچالهای گسترده می باشد ،
در ادامه این مسیر و پس از تالار چهارم ، غار به دهلیزی
کم ارتفاع و پریچ و خم و سپس به چاهی حدوداً " به عمق
۱۰ متر ختم می شود .

طول کلی غار در این مسیر براساس جمع بندی تخمینی
۷۳۰ متر ، ولی برحسب اعلام کمیته غارنوردی ۶۶۶ متر
می باشد .

عرض ورودیها و تالارهای غار بین ۷۰ سانتیمتر تا ۱۸
متر و ارتفاع آنها از ۸۰ سانتیمتر تا ۱۵ متر ، در طول این
مسیر شناسایی شده نوسان دارد . مساحت کلی تالارهای
غار در مسیر فعلی به تقریب ۴۳۰۰ متر مربع است . در این
مسیر شناسایی شده حفره‌های جانبی و مدخل تالارهای
احتمالاً " موجود دیگر به وفور دیده می شود . شناسایی دقیق
و همه جانبه کلیه فضاهای غار اعم از تالارهای فعلی و زیر
لایه‌های رسوبی سطوح جانبی و سقف این تالارها و مسیر
حفره‌های جانبی متعدد ، در گرو اعزام هیات مطالعاتی با
تجهیزات و فرصت کافی و تخصصهای لازم است .

غار باستانی کلماکره از لحاظ مطالعاتی در نوع خود
بی نظیر و پربار است . وجود ستونهای مرمری بسیار زیبا و
گیرائی منطری شگفت آور این ستونها و سطوح آذین بسته
شده جانبی غار ، احتمالاً " در دوره‌های طولانی دلبستگیهای
را در انسان روزگاران گذشته موجب وتلاء لو ستودنی این
آثار رسوبی چنان سخت آنرا برانگیخته است که هر گروه
بنابه سنت رایج ، طی گذار متناوب خود ، از این مکان
غریب و اسطوره‌ای بهره مطلوب بگیرند .

بی شک زبان گونه رسوبی روئیده بر سقف ورودی تالار
نخست غار ، قادر به بازگفت سرگذشت رازآمیز این غار
باستانی و بازتاب متناسب بشر پیشین در برابر این همه
زیبائی توصیف ناپذیر نیست . بلکه انجام این مهم بر اساتید
و محققین است که با هموار نمودن زحمت بازدید و
بررسی و پژوهش علمی این غار صعب العبور بر خود ، راه به
اعماق این گنجینه پرمایه فرهنگی برده و علاوه بر خشنودی

روان پیشینیان ، فرا روی آیندگان نیز دریچه‌ای جدید به
جهانهای ناشناخته بگشایند .

۴- اهمیت و ارزش فرهنگی غار

هر چند که معدود شواهد بدست آمده کم و پیش
نشانه‌هایی از دوره‌های استفاده بشر از غار را بدست
می دهد ، ولی اهمیت و جذابیت فضای غار ، بستری واقعی
برای اسطوره‌هایی است که پرتوهای فرهنگی آن سینه بسینه
به زمان ما رسیده است .

تصورات گوناگون ناشی از این غرابت ، و تلفیق عوامل
مادی برجای مانده در این زاویه تاریک تاریخ ، روشنگر
حقایقی است که از نشانه‌های اولیه این ذهنیات تواند بود .
مجموع این پیوندها ، پیرشهایی بسیار برتر و فراتر را
برمی انگیزد که پاسخ به این پرسشها مهمتر از پاسخگویی به
این مظاهر جرم گرفته تاریخ است . از این روست که جستجوی
موشکافانه و بکارگیری ابزار فنی دقیق وسیله اساتید فن
برای فهم حقایق نهفته در درون این بستر واقعی جایگاه
ویژه‌ای می یابد .

این مکان نویافته شگفت انگیز نه تنها از لحاظ شناخت
تحولات فرهنگی بشری اثری نفیس و قابل ثبت در فهرست
آثار ممتاز است ، که از حیث شناخت تحولات زمین نیز
پدیده‌ای درخور اعتناست .

امید که صاحب نظران پس از مطالعه ، بر شواهد کافی
برای ثبت اثر دست یافته و با ارائه گزارش جامع دلایل
مناسب را نیز بدرستی ارائه نمایند .

۴-۱- توصیف پاره‌ای از شواهد باستانی غار

مطالعه غار باستانی کلماکره می تواند بخش عظیمی از
زوایای ناشناخته تاریخ سرزمین ایران را روشن سازد . ولی
هجوم ناگهانی گروهی ناآگاه و سودجو به این غار باستانی
برخی از صفحات ارزشمند این کتاب ناخوانده را از شیرازه
گسیخته و بدست مزدوران ایران ستیز سپرد .

دستگیری عوامل تخریب و دست یافتن مجدد بر
معدودی از این برگهای بدست دشمنان افتاده ، شمره تلاش
پیگیر و پرمخاطره نیروهای انتظامی منطقه بود . بارگران

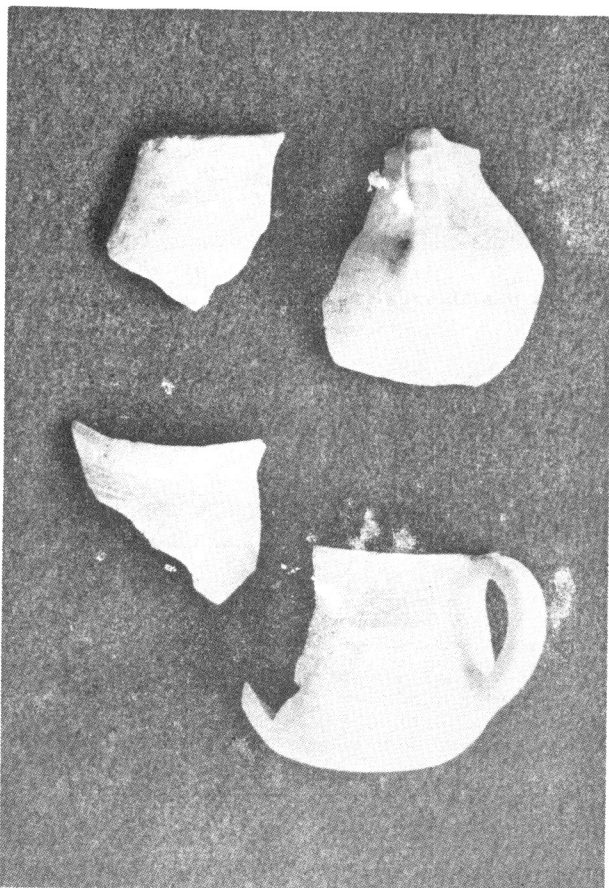
(عکس - ۱۷) .

۳- یک وسیله سنگی ساب خورده (عکس - ۱۷) .
۴- قطعاتی سفالینه دست ساز نخودی ، منقوش به رنگ قهوه‌ای تیره بر روی زمینه نخودی روشن ، شامل : لبه ، دسته و بدنه موضوع نقوش خطوط مدور موازی و زیگزاگ و خطوط عمودی کوتاه (عکس - ۱۸) .

۵- قطعاتی سفالینه دست ساز قرمز منقوش به رنگ قهوه‌ای روشن بر روی زمینه قرمز مایل به صورتی ، شامل : لبه ، دسته و بدنه موضوع نقوش خطوط مدور موازی و زیگزاگ (عکس - ۱۹) .

۶- قطعاتی سفالینه ساده قرمز ، پوشش زمینه قهوه‌ای روشن و نخودی و خاکستری (عکس - ۲۰) .

۷- سفالینه قرمز خشن با نقش افزوده (عکسهای - ۲۱) .
۸- سفالینه ساده نخودی با پوشش کرم (عکس - ۲۲) .
۹- اشیاء ضبط شده از عوامل تخریب باستانی کلماکره ، وسیله کمیته انقلاب اسلامی پل دختر با همکاری گروهان



۱۸- قطعاتی سفالینه نخودی منقوش مکشوفه از غار کلماکره

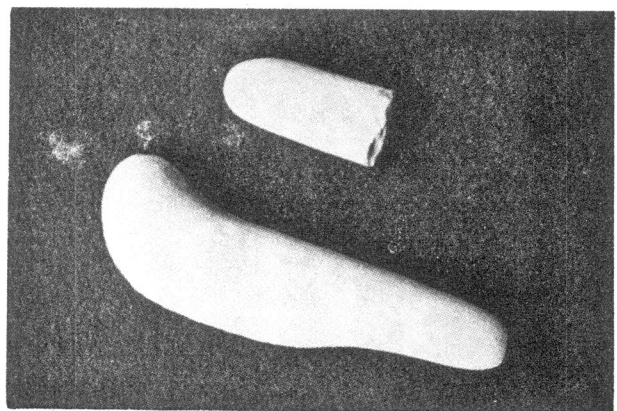
پیگیری گزارشهای مردمی و گزارشات ماء مورین حفاظت میراث فرهنگی بخش ملاوی و شهرستان کوه‌دشت را برادران کمیته انقلاب اسلامی پل دختر و ایثارگران جمعی گروهان ژاندارمری پل دختر بدوش کشیدند . ضمن تقدیر از قاطعیت مراجع قضایی منطقه و تاکید بر ارزش فرهنگی اشیائی که تاکنون ضبط شده است ، از زحمات تمامی این عزیزان صمیمانه سپاسگزاری می شود .

براساس مفاد بازجوئیهای بعمل آمده از عوامل تخریب غار باستانی ، ماسک طلا و گوشهای بزرگ و کوچک حیوان و میله‌های منحنی ، به غار باستانی کلماکره تعلق دارند . علاوه بر این اشیاء ضبط شده که قطعیت انتساب آنها به غار **محمتمل است** شایعات اهالی و بازجوئیهای متهمین نیز پیرامون اشیایی دیگر نظیر : ۱۲ ماسک طلا ، که یکی از آنها ۲۴ مثقال وزن داشته است ، یک سینی منقوش به نقش اسب بالدار ، یک ریتون به شکل سر کل و یا سر گاو ، هشت اسب طلایی بالدار ، یک ماهی به طول تقریبی ۵۰ سانتیمتر ، بر هم منطبق است . ولی تاکنون به استثنای اشیاء ثبت شده در ردیف ۹ این توصیف ، دیگر اشیاء منسوب به غار کلماکره ضبط نشده‌اند .

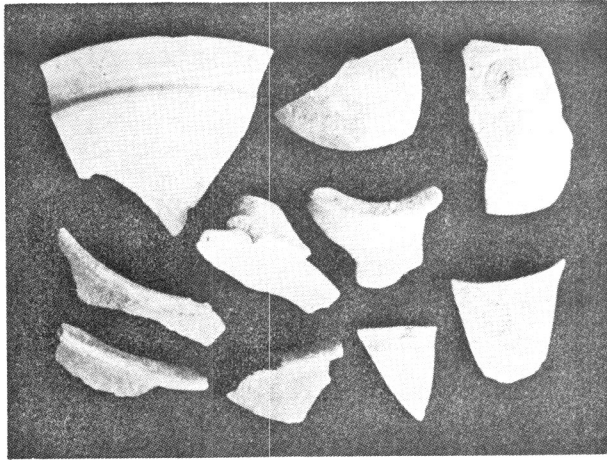
بهر تقدیر اشیائی که توسط کمیته انقلاب اسلامی پل دختر با همکاری گروهان ژاندارمری پل دختر از عوامل تخریب بازپس گرفته شده است در کنار شواهد موجود دیگر ، به شرح زیر توصیف می شوند :

۱- مجسمه انسان فاقد فک زیرین (عکس - ۶) .

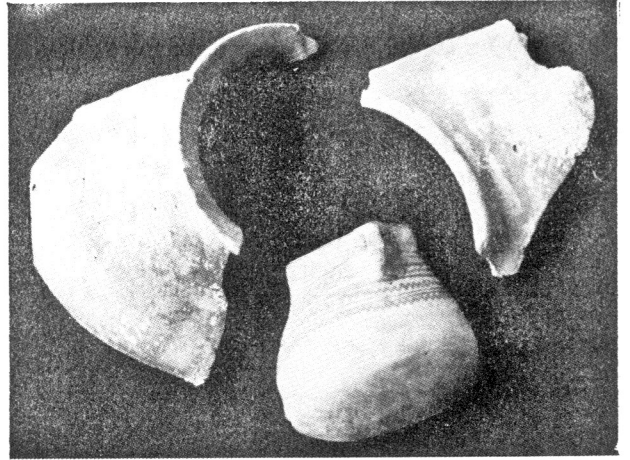
۲- قطعه‌ای از یک ابزار سنگی ساب خورده با مقطع بیضوی ، احتمالاً " دسته شکسته ابزاری مربوط به ردیف سه



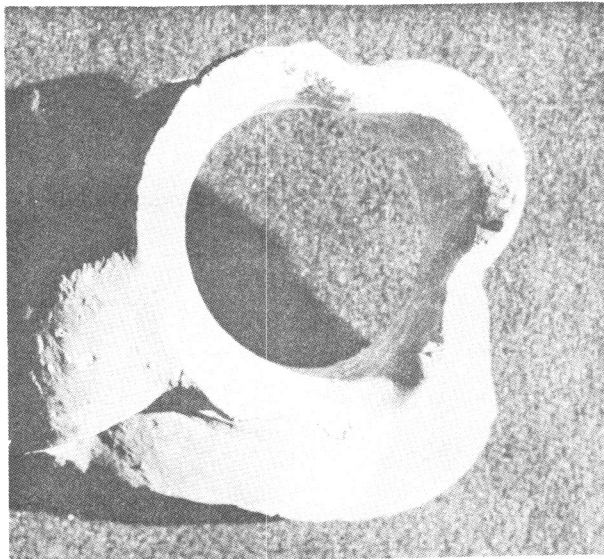
۱۷- ابزار سنگی سالم و دسته ابزار سنگی شکسته مکشوفه از تالار اول



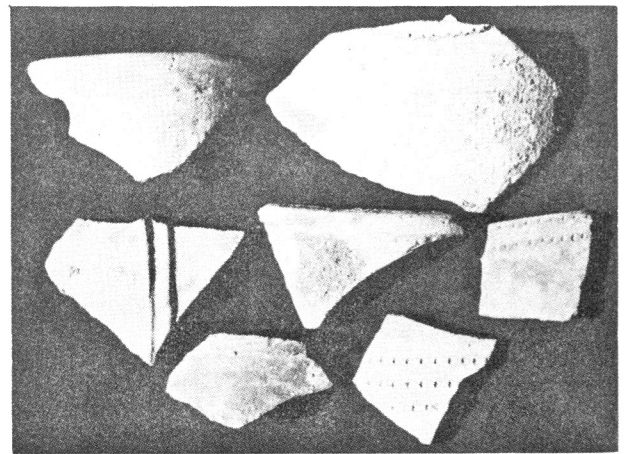
۲۰- قطعاتی سفالینه قرمز با پوششهای رنگی مختلف مگشوفه از غار



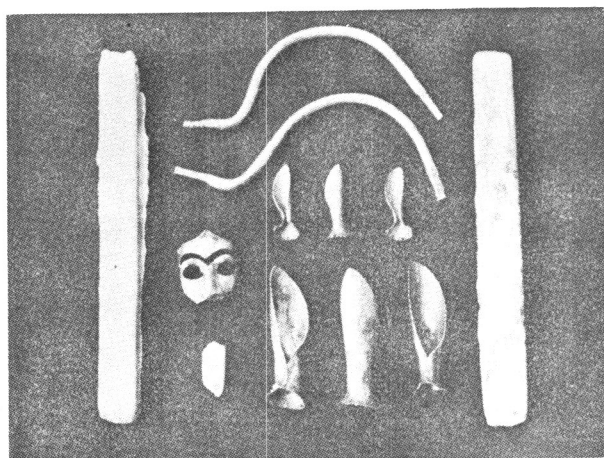
۱۹- قطعاتی سفالینه قرمز منقوش مگشوفه از غار گلماگره



۲۲- سفالینه ساده نخودی با پوشش گرم مگشوفه از غار گلماگره



۲۱- قطعاتی سفالینه قرمز خشن با نقوش افزوده مگشوفه از غار



۲۳- اشیاء ضبط شده توسط کمیته انقلاب اسلامی پل دختر

ژاندارمیری پل دختر به شرح زیر:

- ۹-۱- گوش حیوان (بزرگ)، جنس نقره، سه عدد
- ۹-۲- گوش حیوان (کوچک)، جنس نقره، سه عدد
- ۹-۳- میله فلزی منحنی (بشکل داس یا دوسر مضرس)، دو عدد
- ۹-۴- ماسک (گونه انسان فاقد چشم، ابرو، لب و زرخ)، جنس طلا، یک عدد
- ۹-۵- شمش احتمالاً "نقره ضبط شده به ابعاد نامنظم سه قطعه (عکسهای ۲۳ و ۲۴)



۳۴- اشیا. مکتوفه از غار گلماکره، موضوع ردیف ۹ گزارش

۵- مفهوم واژه‌های محلی متن گزارش و باورهای مردم پیرامون برخی واژه‌ها: (به ترتیب حروف الفبا)

چفاسبز:

نام تپه باستانی در منطقه رومشکان است که توسط اریک اشمیت تفحصاتی در آن بعمل آمده و اندنبرگ به نقل از گزارشهای اریک اشمیت در کتاب باستانشناسی ایران باستان ترجمه دکتر عیسی بهنام می‌نویسد "در چفاسبز سفالی بدست آمده که متعلق به هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد بود".

دری باخ:

نام روستایی در دامنه جنوبی کوه مهله است، آب روستا از چاه دستی تامین می‌شود و غیر قابل شرب است. از این آب فقط برای احشام استفاده می‌کنند. روستا محل زیست کوچ‌نشینان است که در آذر ماه در آن سکنی گزیده و در اسفند به بیلاق کوچ می‌کنند. با وجودیکه در منابع مکتوب نام روستا دره باغ ذکر گردیده، ولی فاقد هرگونه آثار عمران و آبادی است و از طرفی در منطقه‌ای قرار دارد که فاقد آب گواراست. بنابراین محتمل است واژه محلی تحول یافته واژه دره بغ باشد. بهر تقدیر موضوع بررسی تطور واژگان در حیطه علم زبانشناسی است.

رماوند:

محدوده‌ای است در امتداد غربی و ریو مهله در جنوب کوه ویزنهار، این منطقه از شرق به غرب رماوند پایین و رماوند بالا نامیده می‌شود. رماوند پایین بانه هرو، رماوند بالا چم‌خانه را دربرمی‌گیرد.

روم اشکان :

جلگه‌ای کوچک در جنوب شهرستان کوه‌دشت است . پاره‌ای این مکان را محل شکست رومیها (روم - اشکن) ، و برخی محل تجمع رامشگران در دوره بهرام گور می‌دانند . ولی ظن قوی این است که نام محل (رام - اشکان) یعنی قلعه اشکان باشد ، شاید بقایای معماری گسترده سنگ و کچ در شرق تپه باستانی چغابیل موسوم به زاخه و قلعه کوهزاد در غرب محل بتواند شواهدی بر این مدعا باشند .

طاق ملک‌حسین :

نام روستایی در دامنه جنوبی کوه "مهله" است . در این روستا آثار معماری با مصالح سنگ و گچ برجای مانده که با معماری اثر فرهنگی "قلا" قابل مقایسه است .

قلا یا قلعه :

نام بنایی با مصالح سنگ و گچ است که بر فراز تپه‌ای در دامنه جنوبی کوه مهله برجای مانده است . این اثر با راه ارتباطی پل دختر به پل نمشت حدوداً " سیصد متر فاصله دارد .

قوه :

نوعی پوشش بلند مردانه است که ستره نیز گفته می‌شود . این پوشش معمولاً " از پارچه‌های رنگارنگ تهیه می‌شود . قوه غلامرضا نام دره‌ای عمیق و تنگ است که غار در سطح شرقی آن قرار دارد .

کل ماگره :

به توضیحات جداگانه واژه‌های "کل" "ما" ، "کره" مراجعه شود .

کره :

نام انجیرگونه‌ای با بر غیر خوراکی و نامرغوب است ، ولی ظاهر درخت کاملاً " مشابه درخت انجیر و هیچ تفاوتی با آن ندارد . این درخت نیز مانند انجیر ، محترم شمرده می‌شود . حرمت درخت انجیر ، از باوری کهن سرچشمه می‌گیرد . در برخی منابع آمده است میترا چون زاده شد ابتدا با برگهای درخت انجیر خود را پوشانید و با خنجری که داشت از میوه‌های آن درخت تغذیه کرد ، تا برومند و نیرومند شد . (هاشم رضی ، آئین مهر ، سازمان انتشاراتی فروهر ، صفحه ۶۲) .

کل :

در گویش مردم لرستان نوعی حیوان حلال گوشت کوهی با شاخهای کمانی رو به بالا ، و نرینه بز کوهی است . در توصیف نقش این حیوان بر روی اشیاء هنری دوران کهن لرستان گاه آنرا به اشتباه قوچ می‌نگارند ، در حالیکه قوچ نرینه میش کوهی است و دارای شاخهای تقریباً " افقی است . این حیوان در فرهنگها چنین توصیف شده : "پستانداری است از راسته نشخوارکنندگان از دسته تهی شاخان و از نوع آهور - ک فرهنگ معین در ایران مرکزی بویژه در بختیاری آنرا بنام کل می‌شناسانند .

گاومیشو یا گامیشو :

(با حذف واو) نام محلی و پلی است تاریخی و حیرت‌انگیز بر روی رودخانه سیمره ، این پل در جنوب شرقی پل دختر برپا شده است و قبلاً " ارتباط کرانه‌های سیمره را تأمین می‌نموده است . در پاسخ بعلت انتخاب این نام برای پل ، برخی معمرین روایت می‌کنند که : گاومیشی نر در زمانهای قدیمی جفت خود را گم می‌کند ، در پی یافتن جفت تمامی دره‌ها و غارها را درمی‌نوردد و سرانجام آنرا در غاری " در این محدوده می‌یابد . از آن پس این منطقه را گامیشو نامیده‌اند .

آنگونه که پیداست موضوع نام محل و پل ، ریشه در اسطوره‌های کهن دارد (ر - ک ، هاشم رضی ، همان مآخذ ، صفحات ۶۲ و ۶۳) .

با توجه به مفهوم محلی خلاصه شده "مان" می باشد که در فرهنگ‌ها به معنی خانه و بیت ضبط است . در برخی واژه‌ها بصورت پسوند "مان" به معنای ماوا و مکان نیز آورده شده است ، نظیر : خانمان (فرهنگ معین) پسوند "ما" به همین معنا در واژه محلی "بنما" یعنی محل استقرار اصلی نیز بکار برده شده است . استفاده از "ما" در واژه‌های محلی بصورت پیشوند نیز نظیر : "مینگه" = "مانگه" که بعداً توصیف خواهد شد بکار رفته است . مفهوم "مانگه" نیز محل ماندن و ماندگاری است .
"مالگه نوار" یا "مینگه نوار" :

منظور محل جدید اتراق است . مینگه یا نون غیر ملفوظ که در فونتیک با n^g نشان داده می شود ، همان مانگه می باشد ، تلفیق آن با نوار برپا داشتن خانه در محل جدید را می رساند . بعضی این واژه را بصورت مالگه نوار نیز تلفظ می کنند .
"مهله" یا "مهل" :

حالتی برای گاواهن است که با زاویه بسته به خیش متصل می شود و موقع شخم زنی زمین را عمیق شیار نمی دهد ، مخالف این حالت را که نوک گاواهن زیاده از حد در زمین فرو رفته و گاو نتواند آنرا به راحتی دنبال خود بکشد "دن" می گویند .

نام مهله شاید از این واژه ماء خود یا دگرگون شده واژه دیگری باشد که در آن صورت موضوع بحث زیانشناسی است . بالای بلندیهای کوه "مهله" سرزمین پهناوری با پوشش گیاهی انبوه است و دارای پهنایی بین ۱۲-۸ کیلومتر است و چند چشمه آب آشامیدنی کوه نشینان را تامین می کند . یکی از این چشمهها بنام "هفت کنی" خوانده می شود که برفراز کوه بالای غار کل ماکره جای دارد .
مهردینی :

"بنابر اعتقاد پیروان میترا ، وی سرور و پدر همه موجودات است . " جایگاه عبادت وی در غارهای طبیعی کوههاست " . و جای دیگر "مهری دینان بعدها پرستش گاههای خود را در غارهای طبیعی و یا مصنوعی برپا کردند . " برای داوطلبان که خواهان تشریف به مقام سربازی بودند (مرحله سوم از مراحل هفت یا دوازده گانه مهردینی) مراحل دشواری وجود داشت ، مجبور بودند از آزمایشهای دشواری پیروز و کامیاب به درآیند .

گورخوابی در مهرا بهها گورانی بسان تابوت دیده شده است که داوطلبان لازم بوده است تا با تحمل گرسنگی و ظلمت و طول و هراسی که در آنها ایجاد می شد در آنجا بخواهند .
 "در مرحله ای از مراحل سلوک اینان را برهنه ، دست بسته ، چشم بسته در دهلیزی تاریک راه می بردند . آنگاه ناگهان به درون برکه آبی فرو می بردندش . " "در مهرا به چاه آب وجود داشت یا چشمه آب ، و بدانوسیله گروه موءمان شستشو و غسل داده می شدند . " (هاشم رضی ، همان مأخذ ، صفحات ۷۷ و ۸۸ و ۱۰۶ و ۱۱۷) .

نمشت :

نام پلی نسبتاً بزرگ و تاریخی در جنوب کوه مهله است . این پل در گذشته روی سیمه بنا شده است حال با انحراف آب سیمه از مسیر اصلی در کناره آن قرار دارد ، اهالی تصور خاصی در باره مفهوم این نام نیز ندارند . برای شناخت مفهوم واژه امید که زیانشناسان همت گمارده و حلقه های گسسته شناخت را دست کم در این زمینه متصل سازند .
 لازم به ذکر است نام دیگر این پل ، "چم آب برده" است .

وریو مهله یا وریان مهله :

نام محدوده‌ای است جغرافیایی شامل: میدان اول در بخش سفلی و میدان دوم در بخش علیای جنوب کوه مهله، این منطقه این کوه‌ورودخانه سیمره قرار گرفته است. اهالی تصور خاصی در باره مفهوم این واژه ندارند، بررسی‌های صورت گرفته نیز موضوع بحث زبان‌شناسی است.

ویزنیهار یا ویزنیار:

ضمن یادآوری اینکه نیایشگاه قلعه کوهزاد برفراز قله شرقی این کوه است، نزدیکی این نام با نام بازه‌هور نیز سؤال برانگیز است، علاوه بر این نام این کوه احتمالاً با واژه‌های واشیان نام تپه‌ای باستانی در شرق تنگه پل دختر و ویسیان نام منطقه‌ای در شمال پل دختر قرابت داشته باشد. معنای محلی نام کوه (ویزنیهار) یعنی مکانی سخت که پیمودن آن شکارچی را به‌تنگ آورده و او را به‌حاشا وامیدارد، با وجود این، استنباط مفهوم واقعی واژه موضوع بحث زبان‌شناسی است.

هفت‌کنی:

هفت همان عدد مقدس و کنی به معنی چشمه است. پاره‌ای تشابه کن و شن و زن را که سرچشمه زاینده توالد است مورد بحث قرار داده و آنها را معادل هم می‌دانند. بهرحال این نام به قسمت فوقانی تنگه‌ای اطلاق می‌شود که غار کلماکره در سطح شرقی آن قرار دارد.

۶- توضیح اصطلاحات دشوار گزارش زمین‌شناسی: (به ترتیب الفبا)

- * آلیگوسن: نام دوره زمین‌شناسی در دوران سوم.
- * استالاگمیت: قندیل‌های کربنات کلسیم که در سقف غارهای آهکی آویزان است.
- * استالاگمیت: برآمده‌های کربنات کلسیم در کف غارها.
- * پرسهای تکتونیکی: فشارهای زمین‌شناسی.
- * تکتونیک: زمین ساخت (عوامل فیزیکی و شیمیایی که باعث ایجاد حرکت و فرسایش و شکستگی در سازندها می‌شود).
- * ژئوسین کلینال: کف دریای قدیم که بر اثر عوامل مختلف فیزیکی نهایتاً منجر به تشکیل سلسله جبال می‌گردد.
- * ژنز: اصل و زاینده شدن.
- * سازند: نامی که قبلاً با عنوان تشکیلات بکار برده می‌شود.
- * سازند آسماری: تشکیلات آهکی که در دوران سوم در دریای قدیم رسوبگذاری شد.
- * فولد دزون: منطقه چین‌خورده زاگرس (سلسله جبال زاگرس بر روی محور عرضی به‌سه بخش: آرام، چین‌خورده و خردشده تقسیم می‌شود).
- * گارستی شدن: انحلال کربنات کلسیم توسط آب، به‌اضافه گاز کربنیک و ایجاد حفره و غار.
- * لند اسلاید پل دختر: سازند سرخورده و خردشده.
- * میوسن: نام دوره زمین‌شناسی در دوران سوم.
- * نظریه گروند: اقتباس از نشریه آب انتشارات وزارت نیرو، مبنی بر اعتقاد بوجود سطح آب آزاد در آهکهای کارستیک.